



دانشگاه باقر العلوم
(مجلس شورای اسلامی)

دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: علوم سیاسی، علوم اجتماعی و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته علوم سیاسی

عنوان

روشنفکری دینی و عدالت

در ایران معاصر

استاد راهنما

دکتر داوود فیروزی

استاد مشاور:

دکتر منصور میراحمدی

نگارش:

علیرضا یاری

شهریور 1387

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ محضر بانوی مطہرہ، فاطمہ بنت اسد (سلام اللہ علیہا)

(مادر امیرالمؤمنین علی علیہ السلام)

تشکر و تقدیر

بر خود لازم می‌دانم از تمام عزیزی‌زانی که مرا در ترغیب نوشتن و اتمام این نوشتار یاری رساندند. صمیمانه تشکر کنم. به خصوص از پدر و مادر عزیزم، که عاشقانه به من خدمت کردند. به پاس این همه عشق و علاقه، دستان پر از مهرشان را می‌بوسم و از خداوند منان، عمری طولانی و با عزت برای آن عزیزان آرزو مندم. و همچنین از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محمد ستوده (زید عزه)، به پاس تمام محبت‌ها و زحماتی که در حق من متحمل شدند. صمیمانه تشکر می‌کنم. و آرزوی موفقیت وی را در تمام عرصه‌ها، از خداوند منان خواستارم. چراکه خالصانه در خدمت دانشجویان می‌باشد. و اگر نبود عشق وی، به دانشگاه باقرالعلوم (ع) که طبق فرمایشات مقام معظم رهبری به عنوان نماد روشنفکری حوزوی شناخته می‌شود چه بسا ما شاهد شکوفایی در این مجموعه علمی نبودیم. و همچنین از آقای دکتر داوود فیروزی به عنوان استاد راهنما و آقای دکتر منصور میر احمدی به عنوان استاد مشاور به خاطر تمام زحماتی که متحمل شدند تشکر می‌کنم. و در آخر از تمام کارمندان و کارکنان مجموعه دانشگاه باقرالعلوم (ع) که با همکاری همدیگر مجموعه‌ای آرام را برای اینجانب و سایر دوستان برای بهره‌وری بالای علمی ایجاد کرده بودند نیز تشکر و قدردانی می‌کنم.

چکیده

جریان روشنفکری دینی درون حاکمیت مهمترین جریانی است که در قالب پارادایم قدرت‌گرایی جریان روشنفکری دینی بعد از انقلاب اسلامی ایران به خصوص در سالهای اخیر ظهور پیدا کرده است به طوری که نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری تحولات سیاسی و اجتماعی ایران بعد از انقلاب اسلامی داشته و از آنجا که اجتماع گرایان به خصوص السدی ر مک ای‌نتی‌ر معتقدند سنتهای مختلف در جامعه با توجه به دارا بودن ارزشها، عقاید و باورهای متفاوت نسبت به همدیگر همواره در حال رقابت و سایش با یکدیگر هستند. تا با برتری نسبت به رقبای خود بتوانند نظم سیاسی دلخواه خود را بر اساس باورهای سنت فکری و سیاسی خود بنانند. و در این راستا حتی در سنت فکری خود نیز دست به تحول می‌زنند و باورهای خود را از دیدگاه دی‌گری تفسیر و بازتعریف می‌کنند. و از آنجا که جریان روشنفکری دینی درون حاکمیت در قالب دو سنت فکری - سیاسی اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در ادبیات سیاسی ایران شناخته می‌شود نیز از این قاعده اجتماع‌گرایان مستثنی نیستند. آنها با ایجاد تحول در سنتهای اولیه خود بعد از انقلاب اسلامی که در جریان راست و چپ سیاسی تعریف می‌شدند. و دارای مبانی فکری و دین‌شناسی متفاوتی از یکدیگر بودند به سنت اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی با باورهای جدید بدل شدند. و پا به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی گذاشتند. در این بین تفاسیر و تعاریف جداگانه آنها از مفاهیم سیاسی به خصوص مفهوم عدالت امری کاملاً طبیعی بود چرا که سنتهای مختلف با توجه به مبانی فکری و دینی و نوع تأثیرپذیری‌شان از مدرنیته و مکاتب مدرن غربی، تفاسیر متفاوتی از مفاهیم سیاسی و به خصوص مفهوم عدالت از خود ارایه می‌دادند. بنابراین سنتهای فکری و سیاسی فعال در جامعه خودمان در تفسیر مفهوم عدالت آن را با آزادی می‌سنجند. سنت اصول‌گرایی با تقدم عدالت بر آزادی معتقد است که توسعه عدالت در جامعه زمینه‌ساز آزادی و آزادی‌های مدنی است و در واقع تعریفی که اصول‌گرایان از عدالت ارایه می‌دهند یک نوع عدالت توزیعی است. و در طرف مقابل سنت اصلاح‌طلبی با تقدم آزادی بر عدالت معتقد است عدالت زمانی می‌تواند در جامعه باشد. که آزادی‌های مدنی در جامعه وجود داشته باشد. در غیر این صورت حرف زدن از عدالت بی‌فایده است. بنابراین تعریفی که اصلاح‌طلبان از عدالت ارایه می‌دهند یک نوع عدالت استحقاقی است. ما در این نوشتار به طور مفصل به مباحث فوق در طی چهار فصل خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: روشنفکر، روشنفکر دینی، اجتماع‌گرایی، سنت، تحول سنتها،

اصول‌گرایی، اصلاح‌طلبی، عدالت استحقاقی، عدالت توزیعی..

فهرست مطالب

1	مقدمه: طرح تفصیلی تحقیق
2	<u>طرح موضوع</u>
3	<u>علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن</u>
5	<u>سابقه پژوهش (نقد ادبیات موضوع)</u>
6	<u>سؤال اصلی پژوهش</u>
6	<u>سوالات فرعی پژوهش</u>
6	<u>مفروضات پژوهش</u>
7	<u>فرضیه پژوهش</u>
7	<u>مفاهیم</u>
7	<u>روشنفکری:</u>
7	<u>روشنفکری دینی:</u>
7	<u>روشنفکری دینی درون حاکمیت:</u>
8	<u>دین:</u>
8	<u>عدالت:</u>
8	<u>مدرنیته:</u>
9	<u>سنت:</u>
9	<u>متغیرها</u>

9	<u>متغیر مستقل:</u>
9	<u>متغیر وابسته:</u>
9	<u>روش تحقیق پژوهش</u>
10	<u>سازماندهی تحقیق</u>
11	فصل اول: روشنفکری، روشنفکری دینی، روشنفکری دینی درون حاکمیت
12	<u>مقدمه:</u>
14	<u>1. روشنفکری</u>
15	<u>1-1. خاستگاه روشنفکری</u>
16	<u>2-1. دوره‌های تاریخی روشنفکری در ایران</u>
16	<u>دوره آغازین؛</u>
17	<u>دوره دوم؛</u>
17	<u>حرکت کمونیستی:</u>
18	<u>حرکت ملی:</u>
18	<u>حرکت اسلامی:</u>
18	<u>دوره سوم؛</u>
18	<u>دوره چهارم؛</u>
20	<u>3-1. بازشناسی لغوی مفهوم روشنفکری</u>
23	<u>4-1. نظر اندی‌شمندان ایرانی در ارتباط با مفهوم روشنفکری</u>
23	<u>جلال آل احمد:</u>
23	<u>علی شریعتی:</u>
23	<u>حسین بشیریه:</u>
24	<u>سعید حجاریان:</u>
24	<u>مصطفی ملک‌یان:</u>
24	<u>عبدالکریم سروش،</u>
25	<u>مقام معظم رهبری،</u>

- 25 سید محمد خاتمی
- 25 احمد نراقی
- 26 2. روشنفکری دینی
- 26 1.2. استدلال مخالفان واژه روشنفکری دینی
- 27 1-1-2. به لحاظ خاستگاه تاریخی
- 27 2-1-2. بی معنا و مفهوم بودن روشنفکری دینی
- 28 3-1-2. تضاد تدین و تعقل
- 28 4-1-2. تخلف در پایبندی به اصول مدرنیته
- 29 5-1-2. مغایرت تجددگرایی با دینداری
- 29 6-1-2. گسست میان سنت و مدرنیته
- 30 2.2. استدلال موافقان واژه روشنفکری دینی
- 30 1-2-2. قراردادی و سیال بودن واژه روشنفکری دینی
- 31 2-2-2. بازسازی مفهوم روشنفکری دینی به لحاظ تحول مفاهیم
- 31 3-2-2. عدم تفاوت ذاتی میان روشنفکران
- 32 4-2-2. بهره گیری از الگوهای پسا مدرن
- 33 3.2. فرایند شکل گیری روشنفکری دینی
- 35 4.2. تعریف روشنفکری دینی
- 37 5.2. ویژگی های روشنفکری دینی
- 37 1-5-2. داشتن باورهای دینی، پذیرش داوری دینی و رسالت دینی
- 38 2-5-2. پایبند بودن به نظام دانایی دینی
- 38 3-5-2. داشتن روحیه آزاد اندیشی، فرهنگ تعامل و عدالت گرایی
- 39 4-5-2. داشتن روحیه کاوشگری علمی نقاد برای حل معضلات جامعه
- 39 5-5-2. داشتن روحیه خرافه ستیزی

- 39 [6-5-2 همگام کننده اندیشه دینی و معرفت عصری](#)
- 40 [7-5-2 تکیه کردن بر اندیشه و راه حل‌های دینی در بنای جامعه دینی](#)
- 40 [8-5-2 داشتن روحیه تحقیق به جای تقلید](#)
- 40 [9-5-2 روشنفکری دینی به مثابه دیده بان معرفت دینی](#)
- 41 [10-5-2 اصلاح و گره گشایی از معرفت دینی](#)
- 41 [11-5-2 طراحی عقبه تئوریک برای نظام اسلامی](#)
- 42 [6-2 ساحت‌های مختلف روشنفکری دینی](#)
- 43 [7-2 تحول اندیشه‌های سنت روشنفکری دینی در دوره‌های مختلف](#)
- 43 [1-7-2 پارادایم احیاء و اصلاح دین](#)
- 44 [2-7-2 پارادایم انقلابی‌گری](#)
- 44 [3-7-2 پارادایم عرفی‌گرایی](#)
- 45 [4-7-2 پارادایم قدرت‌گرایی](#)
- 46 [3 روشنفکری دینی درون حاکمیت](#)

فصل دوم: روشنفکری دینی و عدالت در ایران معاصر از منظر اجتماع‌گرایی.. Error!

Bookmark not defined.

1. مفاهیم اساسی اجتماع‌گراییان Error! Bookmark not defined.

1-1. خیر (Good) Error! Bookmark not defined.

1-2. سنت (Tradition) Error! Bookmark not defined.

1-3. عقلانیت سنتها Error! Bookmark not defined.

1-4. تحول سنتها Error! Bookmark not defined.

1-5. عدالت (Justice) Error! Bookmark not defined.

1-6. عدم اعتقاد به نسبی‌گرایی Error! Bookmark not defined.

2. روشنفکری دینی به مثابه یک سنت Error! Bookmark not defined.

3. شکل‌گیری سنت اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی Error! Bookmark not defined.

defined.

فصل سوم: مبانی نظری سنتهای روشنفکری دینی درون حاکمیت
Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined.....مقدمه

Error! Bookmark not defined.....1. سنت اصول گرای

Error! Bookmark not defined.....1 - 1. سنت محافظه کاری

Error! Bookmark not defined.....1 - 1 - 1. حیات طیبه

Error! Bookmark not 2 - 1 - 1. نظارت استصوابی شورای نگهبان

defined.

Error! Bookmark not 3 - 1 - 1. مبارزه با شبی خون فرهنگ

defined.

Error! Bookmark not 4 - 1 - 1. نفی فرهنگ و اندیشه غربی

defined.

Error!5 - 1 - 1. ولایت مطلقه فقیه و برتری آن بر قانون

Bookmark not defined.

Error!6 - 1 - 1. نفی جمهوری و وجوب پیروی از فقیه

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not 7 - 1 - 1. نفی قرائت های متعدد از دین

defined.

Error! Bookmark not 8 - 1 - 1. تفسیر حداکثری از دین

defined.

Error! Bookmark not defined..9 - 1 - 1. اسلامی کردن دانشگاهها

Error! Bookmark not 10 - 1 - 1. خشونت گرای و نفی تساهل

defined.

11 - 1 - 1. دین گرای و درک مفاهیم سیاسی در قالب شرع

Error! Bookmark not defined.....

Error! Bookmark not 12 - 1 - 1. دین شناسی انحصارگرایانه

defined.

Error! Bookmark not 13 - 1 - 1. بومی گرای و نگاه به سنت

defined.

Error!14 - 1 - 1. جایگاه بالای روحانیون در این سنت

Bookmark not defined.

Error! [15 - 1 - 1](#) تاثیرپذیری از مفاهیم سوسیالیستی در اقتصاد

Bookmark not defined.

Error! [2 - 1](#) سنت موعودگرایی سیاسی

Error! [1 - 2 - 1](#) عدالت‌گرایی

Error! [3 - 2 - 1](#) مهرورزی

Error! [3 - 2 - 1](#) Bookmark خدمت‌رسانی و خدمت‌گذاری به مردم

not defined.

Error! [4 - 2 - 1](#) Bookmark not رسالت‌گرایی و تکلیف‌گرایی

defined.

Error! [5 - 2 - 1](#) Bookmark not مهدویت و موعودگرایی

defined.

Error! [6 - 2 - 1](#) Bookmark not مورد‌عنایت‌الهی و نظر‌کردگی

defined.

Error! [7 - 2 - 1](#) Bookmark not ولایت‌فقیه

Error! [8 - 2 - 1](#) Bookmark not توجه به اسلام‌آیینی

[102](#) [9 - 2 - 1](#) پی‌شگویی و علوم ماوراء‌الطبیعه

Error! [10 - 2 - 1](#) Bookmark not به چالش کشیدن نظم جهانی

defined.

Error! [11 - 2 - 1](#) Bookmark not نگرش سوسیالیستی به اقتصاد

defined.

Error! [12 - 2 - 1](#) تاثیرپذیری از نسخه‌های غربی موعودگرایی

Bookmark not defined.

[105](#) [2](#) سنت اصلاح‌طلبی

Error! [1 - 2](#) Bookmark not نهی سکولاریسم

Error! [2 - 2](#) Bookmark not جامعه‌مدنی

Error! [3 - 2](#) Bookmark not جای‌گاه مردم و جمهوری‌ت در نظام اسلامی

defined.

Error! [4 - 2](#) Bookmark not تفسیر خاص از ولایت‌فقیه

گرایی.....110

Error! Bookmark not defined......6- 2. سازگاری دین و آزادی

Error! Bookmark not defined......7- 2. توسعه سیاسی

Error! Bookmark not defined......8- 2. تساهل و تسامح

Error! Bookmark not defined......9- 2. قرائت های متعدد از دین

Error! Bookmark not defined......10- 2. ضرورت توجه به تمدن و فرهنگ غرب

defined.

Error! Bookmark not defined......11- 2. برابری ذاتی انسانها

Error! Bookmark not defined......12- 2. تاکید بر حقوق انسانها

Error! Bookmark not defined......13- 2. مردم سالاری دینی

Error! Bookmark not defined......14- 2. تاکید بر اصلاحات

Error! Bookmark not defined......15- 2. تاکید بر عقل و عقل گرایی

Error! Bookmark not defined......16- 2. تاکید بر مفاهیم لیبرالیستی با رویکرد اسلامی

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined......17- 2. تاکید بر مفهوم آزادی

Error! Bookmark not defined......فصل چهارم: عدالت از منظر روشنفکری دینی

Error! Bookmark not defined......مقدمه

Error! Bookmark not defined......1. مفهوم عدالت

Error! Bookmark not defined......2. ساحت های عدالت

Error! Bookmark not defined......عدالت تکوی نی

Error! Bookmark not defined......عدالت تشریحی،

Error! Bookmark not defined......عدالت نفسانی،

Error! Bookmark not defined......عدالت اجتماعی،

Error! Bookmark not defined......عدالت سیاسی،

Error! Bookmark not defined.....عدالت اقتصادی،

Error! Bookmark not defined.....عدالت قضایی،

Error! Bookmark 3 . مفهوم عدالت از دیدگاه روشنفکران دینی معاصر ایران
not defined.

Error! Bookmark not 1 - 3 . مفهوم عدالت از دیدگاه رضا داوری
defined.

Error! Bookmark not 2 - 3 . مفهوم عدالت از دیدگاه عبدالکریم سروش
defined.

Error! Bookmark not 3 - 3 . مفهوم عدالت از دیدگاه علی شریعتی
defined.

4 . عدالت از دیدگاه روشنفکری دینی درون حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران

Error! Bookmark not defined.....

Error! 4 - 1 . عدالت از دیدگاه سنت فکری - سیاسی محافظه کاری
Bookmark not defined.

Error! 4 - 2 . عدالت از دیدگاه سنت فکری - سیاسی اصلاح طلبی
Bookmark not defined.

Error! 4 - 3 . عدالت از دیدگاه سنت فکری - سیاسی موعودگرایی سیاسی
Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined..... فصل پنجم: نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined..... فهرست منابع

Error! Bookmark not defined..... الف) کتابها

191 ب) نشریات

Error! Bookmark not defined..... ج) منابع اینترنتی

Error! Bookmark not defined..... د) منابع لاتین

مقدمه:

طرح تفصیلی تحقیق

طرح موضوع

روشنفکر از آنجا که وجدان نقاد و خرده‌گیر در جامعه می‌باشد و داشتن شاخصه‌های همچون حقیقت‌یابی، نقاد وضع موجود بودن، دغدغه جامعه و مردم را داشتن، دغدغه توسعه جامعه را داشتن و نقاد سنت و مدرنیته بودن می‌خواهد به جامعه و مردم خود خدمت کرده و آنان را در راستای نو اندیشیدن و نگاه عمیق به آینده قرار دهد. ولی روشنفکر در جوامع با فرهنگ دینی نمی‌تواند نسبت به دین بی‌تفاوت باشد. چرا که در غیبر این صورت درک متقابلی بین روشنفکران و مردم وجود نخواهد داشت. بنابراین از زمان پیدایش این مفهوم در ایران و ضدیت آن با دین و فرهنگ مردم، ما شاهد شکل‌گیری مفهومی همچون روشنفکری دینی در ایران هستیم. این مفهوم که با دارا بودن تمام شاخصه‌های روشنفکری، دغدغه دین و دینداری را نیز دارد. مورد استقبال بسیاری از اندیشمندان و مردم دیندار قرار گرفت. چرا که روشنفکران دینی با به نقد کشیدن سنت و مدرنیته خواستار اخذ مفاهیم ایجابی هر دو طرف بودند تا بتوانند نیازهای جامعه خود را برآورده سازند.

توجه به دین و دینداری در این جریان مهم سیاسی باعث شد تا مفهوم روشنفکری دینی جای‌گاه ویژه‌ای در اندیشه سیاسی معاصر ایران برای خود پیدا کند و از طرفی روشنفکران دینی چون دارای مبانی نظری متفاوت بوده و تأثیر پذیری آنها از مدرنیته نیز با همدیگر مختلف بود، نمی‌توانستند در یک طیف واحد قرار گیرند. بنابراین می‌توان آنها را در سنتهای متفاوت با عقاید، باورها و ارزشهای مختلف از هم قرار داد هرچند که در بسیاری از مفاهیم و نظرات بین آنها اشتراکاتی وجود دارد. بدین ترتیب جریانات و طیف‌های گوناگون روشنفکری دینی در ارتباط با بسیاری از مفاهیم سیاسی موضع‌یکسانی ندارند و تفاسیر متعددی از آن مفاهیم سیاسی ارائه می‌دهند. یکی از آن مفاهیم سیاسی عدالت است. به طوری که جریانات روشنفکری دینی در

ارتباط با مفهوم عدالت، آن را با مفهوم آزادی ارزیابی کرده و در یک طیف دو گانه قرار می‌گیرند که عبارتند از:

الف) طیفی که آزادی را مقدم بر عدالت می‌داند و عدالت را با توجه به مفهوم آزادی و آزادی‌های مدنی تفسیر می‌کنند که این طیف از روشنفکری دینی در واقع متأثر از اندیشه‌ها و مؤلفه‌های مکتب لیبرالیسم بوده که با رویکرد دینی به مفهوم عدالت می‌پردازد. و تحت عنوان سنت اصلاح طلبی در اندیشه سیاسی ایران معاصر شناخته می‌شود.

ب) طیفی که عدالت را مقدم بر آزادی می‌داند و معتقد است عدالت زمینه ساز آزادی و آزادی مدنی می‌شود. این طیف از روشنفکری دینی متأثر از مؤلفه‌ها و اندیشه‌های مکتب سوسیالیسم بوده که با رویکرد دینی به مفهوم عدالت می‌پردازد و تحت عنوان سنت اصول‌گرایی در صحنه سیاسی ایران معاصر ظاهر شده است.

در این پایان‌نامه سعی نویسنده بر آن است تا مفهوم عدالت را با توجه به مبانی نظری متفاوت دو طیف روشنفکری دینی درون حاکمیت (سنت اصول‌گرایی و سنت اصلاح طلبی) و نوع تأثیرپذیری آنها از مکاتب و مفاهیم مدرن بازشناسد. چرا که سنت اصول‌گرایی با توجه به محور قرار دادن عدالت در مبانی نظری خود و تأثیرپذیری‌اش از مفاهیم سوسیالیستی در پی مفهوم توزیعی از عدالت برای کاهش فاصله طبقات اجتماعی می‌باشد. در حالی که سنت اصلاح طلبی با توجه به محور قرار دادن مفهوم آزادی در مبانی نظری خود و تأثیرپذیری از مفاهیم سنت لیبرالیستی در پی مفهوم استحقاقی از عدالت در جامعه می‌باشند.

علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

از آنجا که نقش و جایگاه روشنفکران، روشنفکران دینی و روشنفکران دینی درون حاکمیت در توسعه جامعه انکار ناشدنی است و از طرفی آنها با ذهن نقاد و پویایی خود در پی آگاه کردن مردم و بالا بردن سطح شعور اجتماعی آنها بوده و در این راه از هیچ

کوششی دریغ نمی‌ورزند. بنابراین آشنایی با باورها، عقاید، افکار و نظرات آنها در ارتباط با مسایل و مفاهیم رایج در جامعه کاملاً امری ضروری به شمار می‌رود. و وظیفه تمام پژوهشگران است که در این حیطه قلم فرسایی کنند. چرا که پرداختن به مسایل روشنفکری و استقبال از حضور آنها و نظرات آنها و به کارگیری آن در سطح جامعه به پویایی و ارتقاء سطح کیفی آن جامعه کمک شایانی خواهد کرد. و نظام سیاسی موجود در آن جامعه را از تک صدایی و انحصارگرایی قدرت و ثروت خارج خواهد نمود. بنابراین باید روشنفکران، روشنفکران دینی به خصوص روشنفکران دینی درون حاکمیت هم در حیطه نظری و هم در حیطه عملی به صورت فعال در جامعه حضور تأثیرگذار داشته باشند و نباید فقط در نقش تئوری‌سین‌های فکری در جامعه ظاهر شوند. چرا که حضور فکری و فیزیکی آنها در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به تطفیف شدن دیدگاه‌های مختلف می‌پردازد و تنش را در جامعه به حداقل می‌رساند. بنابراین در جامعه بعد از انقلاب اسلامی ایران حضور روشنفکران در عرصه‌های مختلف جامعه با فراز و نشیب‌های زیادی مواجه بوده است که اوج حضور فعال روشنفکران در جامعه به سال 1376 هـ.ش برمی‌گردد که آنها با توجه به بستری که برای‌شان به وجود آمده بود و احساس آزادی بیان و عقیده را ملموس‌تر از گذشته می‌دیدند خواستار حضور در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی - اسلامی شدند. و این موضوع منجر به شکل‌گیری طیف‌های گوناگون فکری در جامعه گردید که شناسایی آنها و درک مفاهیم مورد علاقه آنها به ما کمک خواهد کرد تا اولاً نیازهای اساسی جامعه خودمان را بشناسیم ثانیاً موانع توسعه و پیشرفت جامعه ایرانی را شناسایی کنیم و ثالثاً راه رسیدن به توسعه پایدار ایرانی - اسلامی را طرح‌ریزی کرده و از استعدادها بالقوه موجود در این جامعه بهره‌گیری کنیم.

بنابراین دیدگاه‌های مختلف طیف‌های گوناگون روشنفکری در ارتباط با مفاهیم و مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نباید تهدیدی تلقی گردد بلکه نظرات متفاوت آنها در ارتباط با مسایل مختلف یک فرصت بوده تا با رقابت بین آنها، کارآمدترین مفهوم و تفسیر در جامعه پیاده شود. در این بین دیدگاه‌های روشنفکری دینی درون حاکمیت

نسبت به مفهوم عدالت متفاوت است و این تفاوت نظرات نسبت به مسایلی و مفاهیم مختلف سبب خواهد شد تا مردم از طرفها و گروههای حمایت کنند که با توجه به واقعیتهای موجود در جامعه و نظام بین الملل دست به تفسیر مفاهیم سیاسی میزنند چرا که این اقدام رابطه مستقیم با ارتقای سطح کیفی جامعه دارد.

سابقه پژوهش (نقد ادبیات موضوع)

کتابهای مهم و زیادی در زمینه روشنفکری دینی به تحریر درآمده که می توان به چند نمونه آنها اشاره کرد. به طور مثال کتاب «روشنفکران ایرانی و غرب» از آقای مهرزاد بروجردی که به گزارشی مناسب از آرای روشنفکران ایرانی و نسبت آنها با غرب و تجدد اکتفا شده است. اما در پرداختن به روشنفکران پس از انقلاب خصوصاً روشنفکران دینی غیر سکولار و روشنفکران دینی درون حاکمیت کاملاً بی توجه بوده است.

کتاب «روشنفکران دینی و مدرنیته» نیز که به قلم آقای مسعود پدram به رشته تحریر درآمده از این بی توجهی بی نصیب نبوده، وی ضمن تقسیم روشنفکران به سه گروه معتقد است یا روشنفکران در مواجهه با مدرنیته آن را به عنوان یک کل به چالش می کشند یا آن را به نحوی نظامند و سازمان یافته می پذیرند و یا نگاهی انتقادی نسبت به آن دارند، در هر صورت در این کتاب به روشنفکران دینی درون حاکمیت و مبانی نظری، خصوصاً بحث عدالت پرداخته نشده است.

کتاب آقای میر سپاسی تحت عنوان «دمکراسی یا حقیقت» که به بررسی جامعه شناختی روشنفکری ایرانی پرداخته و آراء آنان را از جهت تأثیرگذاری بر حوزه عمومی و روند دمکراتیزاسیون مورد بررسی قرار داده، ولی توجه کمتری به روشنفکری دینی داشته و حتی در ارتباط با عدالت که در حوزه عمومی قرار دارد، توجهی نمی کند.

کتاب «کار روشنفکری» که به دست آقای بابک احمدی به رشته تحریر درآمده نیز به موضوع مناقشه روشنفکران دینی و غیر دینی عطف نظر داشته ولی روشنفکران دینی درون حاکمیت در آن جایگاهی ندارد.

با توجه به سابقه پژوهش در ارتباط با موضوع پایان نامه یعنی روشنفکری دینی و

عدالت در ایران معاصر می‌توان در آن نوآوری را با توجه به مفهوم عدالت و روشنفکری دینی درون حاکمیت که کمتر به آن اشاره شده است را مشاهده کرد.

سؤال اصلی پژوهش

قرائت‌ها و برداشت‌های عمده از عدالت در اندیشه روشنفکری دینی درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در دهه اخیر و دلیل عدم اجماع آنها بر مفهوم واحدی از عدالت چیست؟

سؤالات فرعی پژوهش

— شاخصه‌های روشنفکری، روشنفکری دینی و روشنفکری دینی درون حاکمیت کدامند.

- جریانات روشنفکری دینی درون حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران کدامند.
- مبانی نظری جریانات روشنفکری دینی درون حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران کدامند.

— جریانات روشنفکری دینی درون حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران چه قرائت‌های از مفهوم عدالت دارند.

مفروضات پژوهش

- هر جامعه متشکل از سنت‌های متفاوت از هم دی‌گر می‌باشد.
- مفهوم عدالت مفهومی سیال در اندیشه سیاسی است و به اعتبار مبانی مختلف اندی‌شمندان الگوهای متفاوتی را از خود ارائه می‌دهد.
- چهار مفهوم روشنفکری، روشنفکری دینی و روشنفکری دینی درون حاکمیت هم به لحاظ نقشی که در جامعه ای‌فا می‌کنند و هم به لحاظ مبانی نظری تفاوت‌های آشکاری با همدی‌گر دارند.

فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری متفاوت جریان روشنفکری دینی درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و نوع برداشت‌ها و تأثیرپذیری آنها از مدرنیته و اندیشه‌های مکاتب مدرن غربی (لیبرالیسم و سوسیالیسم)، عمده تأکید این جریان در ارتباط با مسأله عدالت در دو رویکرد آزادی محور (عدالت استحقاقی) و رویکرد برابری محور (عدالت توزیعی) نهفته است.

مفاهیم

روشنفکری:

روشنفکر اهل تفکر و اندیشه، متناسب با شرایط و نیازهای زمانه بوده و دارای مسئولیت اجتماعی می‌باشد. اندیشه وی محدود و فردی نیست و به نحوی از انحاء بر جامعه خود تأثیرشگرفی می‌گذارد و همواره در جهت گسترش آگاهی‌های خود به منظور تأثیر آنها بر جامعه تلاش می‌کند. در واقع وی با دارا بودن شاخصه‌های چون حقیقت‌یابی، نقاد وضع جامعه بودن، نقاد سنت بودن، دغدغه مردم، جامعه و توسعه داشتن بر افکار جامعه خود تأثیر می‌گذارد.

روشنفکری دینی:

در یک نگاه کلی مفهوم روشنفکری دینی دو ویژگی اساسی دارد. ورود به گفتمان مدرنیته، نقد توأم سنت و مدرنیته، در واقع دغدغه دین و دینداری و همچنین دغدغه مدرنیته، روشنفکری دینی را به نقد توأم سنت و مدرنیته وامی‌دارد. آن هم به وسیله گوهر نقد مدرنیته.¹

روشنفکری دینی درون حاکمیت:

این گروه از روشنفکران علاوه بر داشتن تمام شاخصه‌های جریان روشنفکری و روشنفکری دینی دغدغه دیگری به نام به قدرت رسیدن برای خدمت به مردم را نیز دارا

1. مسعود پدرام، روشنفکران دینی و مدرنیته در ایران پس از انقلاب، تهران، گام نو، 1382، ص 24

می‌باشد که برای رسیدن به آن از هیج کوششی فروگذار نیست.

دین:

مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات فردی و جمعی است که حول مفهوم حقیقت‌نمایی، سامان‌یافته است.¹

عدالت:

«عدالت» در لغت به معنای دادگری کردن و انصاف داشتن آمده است.² همچنین «عدل» را در لغت مقابل «جور» و «ستم» معنا کرده‌اند.³ به واقع هر تعریفی که از عدالت توسط اندیشمندان ارائه شده پرهیز از ستم و بی‌دادگری در آنان دیده می‌شود. همانطور که در تعریف معروف از عدالت آمده است: «إِعْطَاءُ كُلِّ شَيْءٍ حَقَّهُ» و «وَضْعُ الشَّيْءِ فِي مَحَلِّهِ»⁴ و همچنین در تعریف عادل نیز آمده است: «الْعَادِلُ الْوَاضِعُ كُلَّ شَيْءٍ مَوْضِعَهُ»⁵ عادل کسی است که هر چیزی را در جای‌گاه حقیقی خود قرار نهد.

در کل به لحاظ مفهوم لغوی باید گفت که عدالت معادل دادگری فارسی به معنای راستی، انصاف به خرج دادن، استقامت کردن و ظلم نکردن به کار می‌رود. در اصطلاح فقهاء، به معنای پرهیز از گناهان بزرگ و اصرار نکردن بر گناهان کوچک و راست‌گویی و پرهیز از دروغ و رعایت تقوا و دوری از افعال پست است.

مدرنیته:

مدرنیته مشخصه تمدن است. مشخصه‌ای که مقابله با همه فرهنگ‌های سنتی یا ما قبل

1. مایکل پترسون، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه: احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو، 1376، ص 20.

2. محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، 1360، ج دوم، ص 2279.

3. — ر.ک. جمال‌الدین محمد بن مکرم ابن منظور، *لسان العرب*، ج 11، بیروت، دار صادر، بی‌تا، ماده عدل، ص 430 تا 437.

4. محسن فیض کاشانی، *علم الیقین*، ج 1، تهران، انتشارات بیدار، 1358، ص 121.

5. ابن منظور، *لسان العرب*، پیشین.

خود را برمی‌نگی‌زد، مدرنی‌ته در بُعد جهانی بی‌انگر هرگونه تکامل و دگرگونی ماهوی است.¹

سنت:

به مجموعه‌ای از آداب، اعتقادات، ارزش‌ها و تجربیات (که هویت‌دهنده‌ی یک ملت است) اطلاق می‌گردد سنت می‌تواند دینی یا غیردینی باشد. بنابراین سنت، مفهومی عام‌تر از یک دین خاص است.

متغیرها

متغیر مستقل:

مبانی نظری متفاوت جریان روشنفکری دینی درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و نوع برداشت‌ها و تأثیرپذیری آنها از مدرنی‌ته و اندیشه‌های مکاتب مدرن غربی (لیبرالیسم - سوسیالیسم)

متغیر وابسته:

روی‌کرد دو گانه سنت آزادی محور و سنت برابری محور در ارتباط با مسأله عدالت.

روش تحقیق پژوهش

گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و اسنادی است و از لحاظ سطح تحلیلی به صورت توصیفی — تحلیلی می‌باشد. همچنین در نگارش پایان‌نامه از چهارچوب نظری — مفهومی بهره گرفته شده است. چهارچوبی که در این پایان‌نامه از آن استفاده شده است. الگوی اجتماع‌گرایی با تأکید بر اندیشه‌های السدی ر مک‌اینتی‌ر می‌باشد. وی بر این باور است که سنت‌های متفاوت در جوامع، هرچند با همدیگر در بسیاری از مفاهیم اشتراک نظر دارند. ولی با توجه به باورها و ارزش‌ها و اعتقادات خود نمی‌توانند در یک سنت واحد جمع شوند. بلکه آنها با توجه به دیدگاه‌های مختلفی که در موضوعات گوناگون دارند همیشه در حالت رقابت و سای‌ش با یکدیگر به سر می‌برند تا

1. بابک احمدی، معمای مدرنی‌ته، تهران، مرکز، 1377، ص 24

یکی از آن سنت‌ها بر دی‌گری غلبه کرده و مفاهیم مهم مدنظر خود را در جامعه پیاده کند و برداشت‌ها و تفاسیر خاص خود را در ارتباط با مفاهیم سیاسی مثل عدالت و آزادی را برای اعضای جامعه بیان کرده و آنها را برای حمایت از سایر مؤلفه‌های خود ترغیب نماید تا بتواند نظم سیاسی دلخواه خود را در جامعه پی‌ریزی کند.

سازماندهی تحقیق

این پایان‌نامه از چهار فصل اصلی تشکیل شده است. فصل اول به بحث روشنفکری، روشنفکری دینی و روشنفکری درون حاکمیت می‌پردازد. در فصل دوم بحث اجتماع‌گرایی و سنت روشنفکری دینی مورد بحث قرار می‌گیرد. در فصل سوم، مبانی نظری سنت‌های گوناگون روشنفکری دینی درون حاکمیت مطرح می‌گردد. فصل چهارم به قرائت‌ها و برداشت‌های سنت‌های گوناگون روشنفکری دینی درون حاکمیت از مفهوم عدالت اختصاص می‌یابد. و بالاخره در بحث پایانی نتیجه‌گیری از مباحث مطرح شده در پایان‌نامه بیان خواهد شد.

فصل اول:

روشنفکری، روشنفکری دینی، روشنفکری دینی درون حاکمیت

مقدمه:

به نظر نوام چامسکی، زبان‌شناسی معروف آمریکایی وظیفه روشن‌فکر آن است که بکوشد جهان را بشناسد. و همراه با دی‌گران از حقوق انسانی، عدالت و آزادی دفاع کند.⁸

آنچه که موجب اهمیت یافتن روشن‌فکران و جریان روشن‌فکری و اندیشه‌های آنان در ارتباط با بسیاری از مفاهیم سیاسی از جمله عدالت، آزادی و جامعه توسعه یافته شده و مطالعه درباره آنها را ضروری می‌کند نقشی است که آنها در جوامع جدید به عهده دارند به راستی مگر روشن‌فکران در جوامع جدید چه می‌کنند؟

«به واقع روشن‌فکران از چارچوب‌های سنتی در هر زمینه فراتر می‌روند. ارزش‌های جدیدی ایجاد می‌کند و با به ارزش‌های کهن جامعه‌ای نو می‌پوشانند. دستگاه‌های فکری جدیدی برای تبیین وجوه مختلف زندگی عرضه می‌کنند و با به کارگیری اندیشه و قدرت انتقادی به حل مسایلی و مشکلات عملی می‌پردازند. فلسفه‌های جدیدی برای زیستن به وجود می‌آورند از وضع موجود اجتماعی و سیاسی انتقاد می‌کنند و می‌کوشند تا از چنبر چارچوب‌های رایج اندیشه، فرهنگ، علم و هنر بیرون بروند. مجموعه نقش‌های که روشن‌فکران دارند باعث شده است که لفظ روشن‌فکر در جوامع صنعتی به معنای کسانی باشند که اهل داوری عقلی و سنجش‌گرانه در امور هستند».⁹

در واقع باید گفت روشن‌فکری در جوامع صنعتی فرآورده تمدنی است که بر خرد باوری، انسان باوری و پیشرفت تکیه دارد و از این رو روشن‌فکران در آن جوامع پاسداران سنت اندیشه‌های نو شونده و انتقادی

8. حمیدرضا ظریف‌نوی، کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران (از 1358 تا 1378 ه.ش). تهران: انتشارات آزادی اندیشه، چاپ دوم، 1378.

ص 130.

9. علی‌رضا علوی تبار، روشن‌فکری، دی‌نداری و مردم‌سالاری، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، 1379، ص 21.

درباره مسائل هنجاری جامعه هستند.¹⁰

با این وجود باید گفت که روشنفکر و روشنفکری از جمله مقولاتی است که تاریخ معاصر ایران را همواره به چالش طلبیده، بومی نبودن این پدیده نوین از یک سو و ابهام در تعریف، ریشه و پیشینه آن از سوی دیگر بستری مناسب برای اظهار نظرها و قضاوت‌های عجولانه و ناشیانه در تأیید یا رد آن فراهم آورده است. در حالی که هر جامعه‌ای، ملتی و امتی روشنفکر مخصوص خود را می‌طلبد. چرا که روشنفکر حتماً در وهله اول باید گذشته فرهنگی جامعه خویش را بشناسد و تنگناها و مشکلات آن را تحقیق کرده و در ابعاد گوناگون آن به تدقیق نشست و برای معضلات آن راه‌های وطنی و بومی و هماهنگ و همگون با ساختار فرهنگی و مدنی‌تش داشته باشد. علاوه بر آن آینه‌ی آن را جستجو کند تا بتواند داعیه روشنفکری آن جامعه را از طریق هدایت روشنفکرانه به آحاد جامعه‌اش ابلاغ کند که بهترین شیوه ابلاغ این رسالت در حوزه مسائل اجتماعی و ابلاغ حقایق، کشاندن آن به گستره طیف پیمائش‌های، پی‌شوایی، هدایت‌گری و رهبری است.

بنابراین واژه‌های روشنفکر و روشنفکری از جمله اصطلاحات مهم ادبی و اجتماعی‌اند که به همان اندازه در مکانیزم درونی تحلیل و درک واژه‌های مردم جهان قابل درک و فهم‌اند. ولی در گوی‌شها و زبان‌های زنده جهان به روشنی و وضوح لازم قابل تعریف، تعبیر و تفسیر نیستند و تعریف این واژه در زبان فرهنگ پارسی نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. گرچه این گفته بدان معنی نیست که روشنفکری و روشنفکر در زبان‌های مختلف جهان و ادبیات آنان و مکاتب جامعه‌شناسی و علوم انسانی تاکنون تعریف نشده است. بلکه همه زبان‌ها و گوی‌شها و ادبیات و علوم اجتماعی اقوام و ملل جهان چه بسیار کوشش‌های که در زمینه تعریف این اصطلاح مهم اجتماعی انجام نداده‌اند ولی بی‌شک از آنجا که گستره تعریف این واژه در فرهنگها و ملل و اقوام، طیف وسیعی را پوشش می‌دهد بنابراین تعریف روشنفکر با عمقی از تفاوت مواجه گردیده است و از این رهگذر تعریف روشنفکر در رُم قدیم، یونان باستان، ایران هخامنشی، رُنساس اروپا، کلیسای کاتولیک رُم، نگاه ولتر، دیدگاه سارتر، بیان جلال آل احمد، نوشته‌های دکتر علی شریعتی و فرمایشات حضرت امام خمینی (ره) نیز نه تنها پرفاصله که گاهی بسیار متفاوت و حتی متضاد از یکدیگر است.

با این اوصاف مفهوم روشنفکری از جمله مفاهیم مهم جامعه شناسی سیاسی به شمار می رود که در جوامع مختلف تأثیرات عمیقی در روند پویایی آن جوامع برجای گذاشته است. چرا که در گذر تاریخ همی‌شه همکاری و خدمت‌های روشنفکری، روشنفکران و حکام با همدی‌گر صحنه‌های سازنده تاریخ بوده‌اند. شاید بتوان گفت نوع حکومت‌ها، گرایش‌دینی و مسلکی، میزان آزادی‌اندی‌شه و عمل آنان و همچنین حجم ارتباط با دی‌گر جوامع و ملل تا حدی به تعریف روشنفکری و روشنفکران بازمی‌گردد. اما باید اذعان کرد همه روشنفکران دارای عقاید، باورها و ارزش‌های یکسانی نیستند. بلکه هر کدام از جریانات روشنفکری با توجه به نوع ایدئولوژی و جهان‌بینی خاص خود نسبت به پیرامون و جامعه خویش دارای اعتقادات منحصر به فردی می‌باشند که قصد دارند با عملی کردن آنها در جامعه نظم سیاسی و اجتماعی دلخواه خود را در جامعه سامان بخشند. از آنجا که مؤلفه رسیدن به قدرت در ایجاد چنین نظامی نقش اساسی دارد بنابراین جریانات روشنفکری به منظور تحقق اهداف خود در جامعه و عملی کردن باورها و اعتقادات خود در سطح عمومی جامعه با همدی‌گر رقابت می‌کنند و در حال‌سای‌ش همدی‌گر می‌باشند.

بدین ترتیب باید گفت جریانات روشنفکری در ایران نیز در طول تاریخ پیدایش آن با طی‌فهای متفاوتی روبرو بوده است. به طوری که به لحاظ فکری در ساحت‌های مختلف قرار می‌گیرند. در این فصل ابتدا مفهوم روشنفکری را تبیین می‌کنیم و دیدگاه‌های اندیشمندان ایرانی و غیر ایرانی را در این زمینه بیان می‌نماییم و سپس به بررسی مفهوم روشنفکری دینی و اصالت این مفهوم پرداخته و در نهایت مفهوم روشنفکری دینی درون حاکمیت و طی‌ف‌های اصلی آن را به خصوص در دهه‌های اخیر به بحث و بررسی می‌گذاریم.

1. روشنفکری

در گذشته‌های دور گاهی روشنفکری به معنای دانا تلقی می‌شد و گاهی به معنی زیرک و هوشمند به کار می‌رفت و زمانی از آن به عنوان برگزیده، پی‌شاهنگ و فرزانه یاد می‌شد. و بعضی اوقات نیز به عنوان یک صفت مرکب دارنده فکر روشن در نظر گرفته می‌شد و اکنون نیز تقریباً مترادف واژه لاتین انتلکتوئل (intellectual) در نظر گرفته می‌شود. به راستی چه کسی روشنفکر است؟ آیا کسی که در وادی صرف فکر و اندی‌شه گام می‌زند و اهل علم و قلم است؟ در غیر این صورت روشنفکران چه کسانی هستند؟

باید اعتراف کرد که این همه معنا در ارتباط با یک مفهوم نشان دهنده وجود آرای متفاوت در ارتباط

با آن است ولی باید به این نکته اذعان کرد که روشنفکران گروهی از انسان‌ها می‌باشند که بیشتر با کارهای فکری سر و کار دارند. واژه ای‌نتلی جنتیا (intelligentia) در دهه ششم قرن نوزدهم میلادی به کار رفت و از آن زمان تا کنون در معانی گوناگونی به کار رفته که تعداد آن را بالغ بر شصت معنی ذکر کرده‌اند که در یکی تی‌پولوژی کارکردی سه تی‌پ و ی‌ا‌طیف متفاوت از تعاریف روشنفکری را از همدیگر متمایز کرد که عبارتند از:¹¹

دسته اول به طور کلی روشنفکران کسانی هستند که در خلق و حفظ ارزش‌های غایی و تغیری ناپذیر در زمینه حقیقت، زی‌بایی و عدالت نقش دارند. (تعاریف هنجاری و اخلاقی)

دسته دوم از تعاریف روشنفکران، مبلغان عقاید، بنیانگذاران ای‌دئولوژی‌ها و نقادان وضع موجود به شمار می‌آیند. (تعاریف ای‌دئولوژی‌ک و جهان شمول)

دسته سوم از نظر جامعه‌شناختی روشنفکران به عنوان قشری اجتماعی تلقی می‌شوند که در توسعه و پیشبرد فرهنگ جامعه نقش دارند. (تعاریف اندیشه‌ای و فرهنگی)

1-1. خاستگاه روشنفکری

مفهوم ای‌نتلکتوئل (intellectual) یا روشنفکری و فهمندگی از قرن دوازدهم میلادی در غرب پدید آمد. زمانی که مدارس شهری و سبک جدیدی از آموزش و پرورش در مغرب زمین پدیدار شد. این مفهوم نیز در ادبیات اجتماعی و سیاسی مغرب زمین وارد گردید ولی از قرن هجدهم میلادی با ظهور نهضت روشنگری (Enlightenment) پدیدۀ روشنفکری با محتوای نوینی وارد عرصه ادبیات اجتماعی و سیاسی اروپا گردد.¹²

در واقع نهضت روشنگری یک جری‌ان معنوی و فرهنگی خاص بود که در سراسر اروپا به وسیله بورژوازی (Bourgeoisie) نمایندگی می‌شد. اصل اساسی مطروحه در این نهضت بزرگ و فراگیری معنوی تکیه بر عقل بشری بود که بر پایه معیارها و قضاوت‌های عقل بشری بایده‌ همه جهان‌بینی‌ها، دیدگاه‌های فلسفی، سیاسی، اجتماعی، هنری، مذهبی و همچنین همه تأسیس‌های اجتماعی سنتی و آثوری‌ته‌های حاکم

11. حسین بشری، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نشر نی، 1380، ص 247.

12. رک: عبدالحسین خسروپناه، *جری‌ان‌های فکری ایران معاصر*، قم: انتشارات وثوق، 1384، ص 117 - 114.

باید پاسخگو باشند و الاً باید جای آنها به احکام و نهادهای عقلی عوض شود.¹³ در واقع در دیدگاه آنها تنها معیار، معرفت عقل بشری بود و عقل بشری برای آنها کافی می نمود.¹⁴

اصولاً ورود مفهوم روشنفکری به جوامع اسلامی تقریباً به دویست سال اخیر بازمی گردد. این مفهوم در جوامع اسلامی که به عنوان کالایی وارداتی شناخته می شود از معنای واحدی در آن جوامع برخوردار نبوده، چراکه خاستگاه روشنفکری و اهداف آن در آن جوامع واحد نبوده است و از ابزار، وسایل و ویژگی های مشترک بهره نمی بردند.¹⁵

البته از مفاهیم روشنفکری و جریانات آن در جوامع اسلامی می توان ویژگی های مشترکی را استخراج کرد. با این تفاوت که به لحاظ ماهوی می توانند فاصله زیادی با هم داشته باشند. به طور مثال در جامعه ای رانی می توان روشنفکرانی با اندیشه های اسلامی، مارکسیستی، نئومارکسیستی، لیبرالیستی، نئولیبرالیستی، پست مدرن و ... را از همدیگر تفکیک کرد. همانگونه که ملاحظه می شود همه این اندیشمندان با افکار و عقاید متفاوت خود روشنفکر هستند ولی یک گونه تولید فکر و اندیشه نمی کنند. بلکه با توجه به ارزشها و باورها و عقاید خودشان که از خاستگاهها و اهداف متفاوت آنها نشأت می گیرد به فکر پویایی جامعه می باشند. در واقع روشنفکران با ورود به ساحت اندیشه سازی و گرفتن سکان فکری جامعه قصد دارند جامعه را از حالت رکود خارج کنند و به آن حرکت بخشند و طبعی است که تلاش و سعی در ساحت اندیشه فقط کارآمد نخواهد بود بلکه باید در ساخت عمل نیز وارد شوند و با ورود روشنفکران به لایه های قدرت و حضور مستمر آنها در عرصه های سیاسی و اجتماعی می توانند جامعه را به آن پویایی برسانند.

2-1. دوره های تاریخی روشنفکری در ایران

ادوار تاریخی روشنفکری در ایران را می توان در چهار دوره خلاصه کرد که عبارتند از:
دوره آغازین؛ که با فروپاشی ساختار سیاسی تمدن ایران در دوره صفویه و قاجاریه شروع شد و ما در این زمان به دنبال مرکز ثقل جدیدی بودیم. این مرکز ثقل جدید خود را در اواسط تأسیس دولت

13. عبدالحسین سعیدیان، *دایرة المعارف نو، تهران؛ انتشارات علم و زندگی، ج سوم، 1378، ص 2227.*

14. عبدالحسین خسروپناه، پیشین، ص 117.

15. پیشین.

صفوی به نشان می دهد. از اوسط دوران صفوی، دور جدیدی از رویارویی ها و مواجهات تاریخی مابین تمدن غرب و تمدن شرق آغاز می گردد.¹⁶ این دوره جدید در دوره قاجاریه و در عهد فتحعلی شاه با حضور فعال سلطه گرایانه سیاسی استعمار غربی در کشور همراه بود و لذا مدرنیسم محصول عینی همین مواجهه تاریخی تمدن ها در دوران قاجار و عهد فتحعلی شاه است.

فریدون آدمیت در این مورد می گوید:

«تحول افق فکری در ایران در سده سی زدهم که جنبش مشروطه خواهی تنها یکی از تجلیات آن می باشد فصلی است از تاریخ برخورد جامعه های کهن شرق با مدنیت نو مغرب زمین».¹⁷

به طور کلی در دوره آغازین جریان روشنفکری شامل زمان فتحعلی شاه، عصر مشروطه و دوران حاکمیت رضاشاه می شود. روشنفکری این دوره نتیجه و تداوم و بسط آراء فلسفی، فرهنگی، دینی و سنتی جامعه ما نبود. کلاً جریان روشنفکری مدرن ریشه در خاک غرب داشت و فرزند غرب بود. البته بایده توجه کرد نقش روشنفکران این دوره تنها یک نقش سیاسی در زندگی مردم نبود بلکه یک جنبه ساختاری و بنیادی داشت. به قول جلال آل احمد، دوره بیست سال پیش از شهریور ماه سال 1320 هـ ش بازار روشنفکری رمقی نداشت و دچار یک کم خونی شده بود و روشنفکران در خواب اصحاب کهف بسر می بردند. در این بیست سال فعالیت روشنفکران به پایان آمد. فعالیت آنان در دوران حکومت رضاشاه شکل جدیدی به خود گرفت. پاره ای از روشنفکران این دوره پشتوانه فکری برای نوسازی رضاشاه بودند. اما پس از بروز خصلت استبدادی رضاشاه آنها از وی فاصله گرفتند.¹⁸

دوره دوم؛ این دوره از سال 1320 هـ ش به بعد شروع می شود که مصادف است با زمان سلطنت محمدرضا پهلوی و تمام دوران سلطنت وی را تا حدودی پوشش می دهد. و حدوداً انتهای این دوره با شکست کامل و تمام عیار مارکسیسم در ایران در سال 1360 هـ ش به پایان می رسد. از سال 1360 هـ ش و پس از آن سه حرکت عمده سیاسی - اجتماعی و فکری با ویژگی های خاص به ظهور رسید که عبارتند از:

حرکت کمونیستی: روشنفکری مارکسیستی بسیاری با نفوذ بود و گسترش زیادی هم داشت که با

16. محمد علی زکریای، *جامعه شناسی روشنفکری دینی*، تهران: انتشارات آذریون، 1378، ص 84.

17. شهریار زرنشاس، *تأملاتی درباره روشنفکری*، تهران: انتشارات برگ، 1373، ص 70.

18. رک: جلال آل احمد، *در خدمت و خیانت روشنفکران*، تهران: انتشارات خوارزمی، ج 2، 1357، ص 160 - 147.

اندیشه‌های تقی آرانی و حزب کمونیست ایران و اندیشه‌های سلیمان می‌رزا و دی‌گران در ایران نفوذ پیدا می‌کند که شکل کامل آن حزب توده است که بعد از سال 1320 هـ ش فعال‌تر می‌شود. حزب توده ایران تنها یک گروه سیاسی وابسته به شوروی نبود بلکه یک سازمان مارکسیستی و ضد دینی بود که نظریه مارکس را درباره افیون بودن دین به اسلام نیز تسری داده و در جامعه شدیدا و عمیقاً مذهبی ایران علی‌ه دین تبلیغ می‌کرد.¹⁹

حرکت ملی: حرکت ملی اساساً یک حرکت مذهبی نبود اما ضد دین هم نبود اگرچه بخشی از روحانیت به صحنه آمده و از آرمان‌ها و هدف‌های جنبش ملی حمایت کرده و مدافع آن شده و بخشی از رهبری را به دست گرفت. اما حرکت ملی حرکت دینی نشد ولی ورود رهبران از روحانیون به صحنه مبارزه به حرکت ملی کمک کرد تا بتواند تمام اقشار ملت را اعم از دینی و غیر دینی به خود جذب کرده و در خدمت اهداف ملی و قطع استیلاي اجانب و کسب استقلال واقعی و تحقق حاکمیت ملت بسیج نماید.²⁰

حرکت اسلامی: این حرکت از دو حرکت قبلی دی‌تر ظهور کرد اما آرام آرام قدرت و عمق بیشتری پیدا نمود. این حرکت نوین اسلامی با وجود دو جریان عمده اسلامی - دانشگاهی و جریان اسلامی فیضیه یا روحانیون از گذشته متمایز می‌شود. (تأکید بر تاریخ اسلام) این دو جریان اصول‌گرا هستند. جریان دانشگاهی حرکتی نو و جریان حوزوی جریان سنت‌گرا تلقی می‌شود.²¹

دوره سوم؛ از سالهای دهه چهل به بعد یک تغییری جدی در فضای روشنفکری پیدا آمد. در این دوران به تعبیر مقام معظم رهبری یک توبه روشنفکری صورت گرفته است. از پیش قراولان و چهره‌های برجسته این حرکت نوین روشنفکری دینی شخصیت‌های همچون شهید مرتضی مطهری، مرحوم طالقانی و مرحوم بازرگان را می‌توان نام برد.

دوره چهارم؛ پس از انقلاب اسلامی خصوصاً دهه شصت هجری - شمسی تحولات زیادی در کشور رخ داد و جریان‌های چپ و لائیک منفعل و منزوی شدند و برای افرادی که با تفکر دینی نسبتی داشتند میدان بازتر شد و تیپ نوینی از جریان روشنفکری با ویژگی‌های خالص به وجود آمد که بعضی از ویژگی‌های

19. شهری‌ار زرشناس، پیشین، صص 99 - 100.

20. محمد علی زکریای، پیشین، ص 89.

21. پیشین، ص 89 و 90.

آنها عبارتند از:

«راسی و نالی سم یا خردگرایی، معرفت شناسی غیر دگماتیستی، توجه به جهل بشری، بحران آگاهی، ورود به ساحت تفکر، توجه به ساختارها، گرایش تحلیلی، برخورد فلسفی با تمدن غرب، روش آگاهی، تکیه بر وحدت اجتماعی، مخالفت با گرایشات ای‌دئولوژیکی، مخالفت با سیاست زندگی، تعلق به آینه‌نده»²².

در توضیح ویژگی‌های فوق بایده گفت که راسی و نالی سم همان عقل گرایی می‌باشد که در بخش اندکی از جامعه روشنفکری ایران شکل گرفته و همین خردگرایی است که این بخش را بسیار ممتاز و متمایز از دیگر اقشار جریان روشنفکری کرده است. در واقع راسی و نالی سم صرفاً آن نوع عقلگرایی است که در برابر خردستی‌زی و تفکرگری‌زی و نااندیشی و بی اعتبار ساختن عقل و منطق و علم قرار می‌گیرد. برای این دسته از روشنفکران عقل‌گرا شاخص‌هایی همچون مخالفت با تحزب گرایی، مخالفت با شخصیت پرستی و مخالفت با حماسه گرایی را می‌توان بر برشمرد یکی دی‌گر از شاخصه‌های این تیپ جدید روشنفکری، دارا بودن مبانی غیر دگماتیستی و غیر جزم اندیشانه است. به این معنا که آنان هیچگاه شناخت خویشتن از واقعیتهای جهان را عین واقع نمی‌انگارند و همواره احتمال خطا را در شناخت خود راه می‌دهند به اعتقاد آنان هیچ فرد و هیچ گروهی نمی‌تواند مدعی وصول تام و تمام به حقیقت و مصون از اشتباه و خطا باشد. این قشر از روشنفکران به جهل بشری اعتقاد دارند چرا که نادانسته‌های بشر بی‌ش از دانسته‌های بشری می‌باشد. آنها معتقد به بحران آگاهی در نزد اقشار مختلف می‌باشند که بایده از طریق روشنفکران این بحران را به حداقل برسد و بایده گفت بحران‌های مختلف، این گروه جدید را واداشته است که برای جستجوی راهی برای حل بحران‌ها به ساحت تفکر، گام نهند و به هم‌راه‌های دروغین که حاصل سنت‌ها، تقلیدها، تلقین‌ها و جوسازی‌های گروهی و ای‌دئولوژیکی است. به شدت ناباور باشند آنها به دلیل تلاش برای فراروی از سطح به عمق، از ظاهر به باطن، از نتایج به مبانی و از معلول به علت، بیش از آنکه تلاش‌های ذهنی و فکری و عملی‌شان را معطوف رو بناهای سیاسی و اجتماعی سازند، سنتی‌شان را متوجه ساختارهای کرده‌اند که ریشه در حل تاریخ و فرهنگ ما دارد. اینان به خوبی دریافته‌اند که بسیاری از مسایل سیاسی و اجتماعی ما ناشی از معضلات ساختاری و گره‌های

22. بی‌ژن عبدالکریمی، «سنت روشنفکری جدید»، مجله کیان، شماره 8، شهریور ماه 1371، ص 11.

کور تاریخی است که گشودن آنها تلاش‌ها و فداکاری‌های فکری و نظری عظیمی می‌طلبد. این دسته از روشنفکران که اهل تحلیل هستند می‌کوشند هر اندیشه و باوری را به اصول و مبانی آن یعنی به ساده‌ترین و بسیط‌ترین قضایای ممکن بازگردانند تا اصلی‌ترین و درونی‌ترین چالشگاه‌های نزاع و رویارویی اندیشه‌ها را باز نمایانند. آن‌هم با تأمل و نظر در اصول، مبانی، طبیعت و ماهیت تمدن غربی و درک لوازمات و پیامدهای این دسته از مبانی، تحلیل و تحویل سیاست، اقتصاد و اخلاق جدید غرب به اصول و مبانی نظری آن، پدیده مغتنم و بسیاری با ارزشی است که با این گروه جدید روشنفکران در جامعه ما به عرصه ظهور رسیده است. آن‌هم با روش آگاهی که حاصل واقع‌بینی و به رسمیت شناختن هر چه بی‌شتر حصارهای واقعی است که همواره در برابر ایده‌آل‌های اجتماعی وجود داشته و دارند. این دسته از روشنفکران بر اساس اصول و مبانی معرفت‌شناختی خود یعنی مطلق‌نکردن دیدگاه‌ها و عدم ادعای وصل تام و تمام به حقیقت، در حیات اجتماعی هر جامعه به وحدت اجتماعی تأکید می‌کند.

از نظر این گروه جدید روشنفکری، ای‌دئولوژی‌ها به دلیل توجه بیش از حد به عمل، امکان‌های متعددی را که ذات تفکر پیش روی آدم می‌نهد نادیده می‌گیرند و به پیروان خود می‌آموزند که در برخورد با هر مسأله‌ای بلافاصله به دستگاه ای‌دئولوژی‌کی خود مراجعه کرده و جواب حاضر و آماده واز پیش تعین شده را دریافت دارند. به همین خاطر این طیف جدید با هرگونه گرایش‌ات ای‌دئولوژی‌ک مخالفت می‌ورزد. این گروه جدید روشنفکران کاملاً از سیاست زدگی دوری می‌گزینند. چرا که مهم‌ترین ویژگی سیاست زدگی آن است که تفکر تابع سیاست تلقی گردد و نه سیاست تابع تفکر، این گروه اجتماعی به دلیل روش آگاهی و توجه به وحدت اجتماعی از هر نوع آنارشویسم، شارلاتانیسم و رجزخوانی‌های مبتذل و بی‌حاصل سیاسی که سه‌شاخصه مهم سیاست زدگی است بی‌زار و گریزانند. این گروه نوین اجتماعی متعلق به آینده است و با آینده نسبتی بس مهم دارد. و لذا خود را برای آینده مهیا می‌سازد و به شک و تردیدهای تاریخی و پرسش‌های سنت‌ستیزی که در ضمی‌ر ناخودآگاه جامعه ما شروع به فوران کرده و خبر از ظهور یک چرخش تاریخی در دیار ما می‌دهد می‌اندیشد.²³

3-1. بازشناسی لغوی مفهوم روشنفکری

لفظ روشنفکری ترجمه واژه فرانسوی انتلکتوئل (intellectuel) یا واژه انگلیسی (Intellectual) می‌باشد.

23. رک: پیشین.

ریشه این واژه به کلمه لاتین (intellegere) برمی گردد که به معنای تفکیک کردن میان دو چیز است.²⁴ به واقع باید گفت معادل فرانسوی واژه روشنفکری به کسی اطلاق می شود که دارای ذهنی فعال و صاحب اندیشه باشد و سایر پی‌رای‌ها مثل متعهد، لائیک، امانیست و غیره از اعراض ثانویه بوده و ربطی به سرشت روشنفکری ندارد. در نتیجه روشنفکر در درجه اول کسی است که ذهنی فعال و اندیشه‌ای پویا داشته باشد. پس از آن مواد خام لازم را که همانا دانش و اطلاعات جامع و گسترده است، برای خود فراهم آورد.²⁵

دکتر معین برای مفهوم روشنفکر دو معنا بیان می کند که عبارتند از: معنای اول آنکه دارای اندیشه روشن است و معنای دوم کسی که در امور با نظر باز و متجددانه نگردد.²⁶ جلال آل احمد، تعبیر روشنفکر را مابه ازای غلط از واژه انتلکتوئل (intellectuel) می داند و بر این باور است که «نمی دانم کی و کجا و چه کسی آن واژه روشنفکری را به جای واژه انتلکتوئل گذاشته است».²⁷ وی درباره مفهوم و تعبیر انتلکتوئل می نویسد:

*«کلمه انتلکتوئل از اصل انتلکتوالی (intellectualis) لاتین آمده که نوعی اسم مفعول است یعنی ترکیبی است صفت ماند از اتلی که ره (intelligere) که مصدری است لاتینی به معنی فهمیدن، درک کردن یا هوشمندی، ناچار به جای انتلکتوئل بهترین تعبیر فارسی «هوشمند» یا «فهمیده» را باید می گذاشتیم، یا با توجه به مفهوم اجتماعی کلمه و هدایت خاصی که در آن است از رهبری و پی‌شوایی بایست «برگزیده» را یا «فرزانه» را یا «پیشاهنگ» را به جایش می گذاشتیم.»*²⁸ گرچه این هر سه کلمه از نظر معنی، با اصل دورند.

دکتر علی شریعتی میان روشنفکر، آسی‌میله و انتلکتوئل تفاوت قائل است و بر این باور است که «ما متفکر نداریم، روشنفکر نداریم، آنها که هستند آسی‌میله (Assimiles) هستند. متشبه، ترجمه لغوی

24. فرهنگ جهانی و بستر، سی‌مون، تهران: گلشانی، 1364، ص 732.

25. احمد نقی‌ب‌زاده، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: سمت، 1383، ص 222.

26. محمد معین، پیشین، 1360، ص 1690 و 1691.

27. جلال آل احمد، پیشین، ص 18.

28. پیشین، ص 19 و 20.

(Assimiles) است. آسی میله متجدد است. اما متمدن نیست. آسی میله‌ها دلالات و راه بلدان استعمارند.²⁹

و در جای دی‌گر می‌گوی‌د:

«انتلکتوئل علم پرست است. آسی میله هم همی‌نطور، انتلکتوئل به مذهب با نظر بی‌طرفی و بدبی‌نی نگاه می‌کند. آسی میله هم همی‌نطور، تمام خصوصیات انتلکتوئل اروپایی در آسی میله کشورهای عقب مانده است. ولی از لحاظ جنس اجتماعی مغایرند.

انتلکتوئل در اروپا چراغی است فرا راه توده تا جامعه را و آینه‌اش را درست ببینند و به موانعی که بر سر راهش وجود دارد پی‌برند. در عوض آسی میله همچون چراغی است که واقعاً روشن‌گر است. اما نه فراراه جامعه بلکه فرا راه نیرویی که از خارج می‌آید تا وارد این سرزمین ناشناخته شود یعنی فراراه تمدنی که با ماشین و سرمایه و پول به جامعه حمله کرده است. بنابراین حتی در چراغی فرا راه بودن گروه انتلکتوئل و آسی میله مشترک است. اما رسالت اجتماعی آنها متفاوت است یعنی آسی میله مقلد کورکورانه انتلکتوئل اروپایی است».³⁰

و از طرفی احتمال دارد کلمه «منور الفکر» یا «روشنفکر» از روی کلمه مرکبی ترجمه شده باشد به نظر می‌رسد این کلمه مرکب از روی (enlightened intellectual) در انگلیسی و معادل آن در فرانسه (intellectuel eclaire) ساخته شده باشد که معادل آن در عربی «مسی‌نر» است. چرا که ما در ترجمه (the intellectual) آن را به «روشن + اندیش» ترجمه می‌کنیم. با توجه به این کالبد شکافی لغوی از مفاهیم روشنفکری، انتلکتوئل و آسی میله، ولی به نظر می‌رسد که اکثر اندیشمندان داخلی با تسامح مفهوم روشنفکری را معادل واژه انتلکتوئل دانسته و کارویژه‌های آن را که عبارت از ایجاد پویایی و نشاط در جامعه است را بر عهده روشنفکران قرار دادند. درست است که اگر ما به لحاظ لغوی و موشکافانه به مفاهیم فوق نگاه کنیم به همان دستاوردهای دکتر علی شریعتی و جلال آل احمد دست خواهیم یافت ولی باید در انتقال مفاهیم از فرهنگی به فرهنگ دی‌گر و یا از جامعه‌ای به جامعه دی‌گر خیلی دقیق و موشکافانه به آن نگاه نکنیم. بلکه با مقداری تسامح به بازشناسی مفاهیم روشنفکری نگریسته و آن را متناسب با

29. علی شریعتی، ویژگی‌های قرون جدید، مجموعه آثار، ج 31، تهران: دفتر نشر آثار دکتر علی شریعتی، ص 256 و 258.

30. پیشین، ص 258.

فرهنگ و جامعه بومی باز تعریف کنی.م.

4-1. نظر اندیشمندان ایرانی در ارتباط با مفهوم روشنفکری

در این قسمت نظر اندیشمندان ایرانی را در ارتباط با مفهوم سیاسی - اجتماعی روشنفکری را بیان خواهی‌م کرد و این بدین، معناست که معنای اصطلاحی روشنفکر که یک معنای سیاسی - اجتماعی است با معنای لغوی آن متفاوت است.

جلال آل احمد بر این باور است که روشنفکر قطعاً به وضع موجود معترض است و در پی چیزی برتر از واقعیت ملموس به مبارزه و فعالیت می‌پردازد. روشنفکر کسی است که در هر آنی به گردش امر مسلط خالی از اندیشه معترض است. چون و چرا کننده است. نفی کننده است. طالب راه بهتر و وضع بهتر است و سؤال کننده است.³¹

علی شریعتی بر این باور است که روشنفکر باید دارای بینش انتقادی بوده متعصب خودآگاه باشد. آگاه‌ترین انسان‌ها باشد. کسی باشد که طبقه اجتماعی خوی‌ش را حس کند و لذا نسبت به وضع انسانی خودش در زمان و مکان تاریخی و اجتماعی‌ای که در آن است، خودآگاهی داشته باشد. و این خودآگاهی جبراً و ضرورتاً به او احساس یک مسئولیت را بخشیده باشد.³²

حسین بشیریه بر این اعتقاد است که روشنفکران محصول پیدایش فلسفه‌های مبتنی بر شک و تردید نسبت به عقاید سنتی بوده‌اند.³³ به این معنا در تاریخ اروپا اومانیست‌ها از نخستین گروه‌های روشنفکری محسوب می‌شوند. وی همچنین معتقد است که روشنفکران هسته مرکزی نیروی سیاسی طبقه متوسط جدی را تشکیل می‌دهند و از تحولات گسترده فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حمایت می‌کنند و از آبخور مکاتب فکری غرب و بعضاً ترکیب آنها با اسلام سیراب می‌شوند. سنت‌های مختلف مارکسیسم، مارکسیسم نو، اگریستانسی‌الیسم، هرمنوتیک، لیبرالیسم، پست مدرنیسم و لیبرالیسم نو بر روشنفکران مؤثر بوده است.³⁴

31. جلال آل احمد، پیشین، ص 142 و 143.

32. رک: علی شریعتی، چه باید کرد؟، مجموعه آثار، ج 20، تهران: دفتر نشر آثار دکتر علی شریعتی، ص 255 - 258.

33. حسین بشیریه، پیشین، ص 248.

34. حسین بشیریه، دی‌باچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: نگاه معاصر، 1381، ص 137.

سعید حجاریان بر این باور است که روشنفکر کسی است که یا حافظ و پاسدار منافع طبقه خود است (روشنفکر ارگانیکی) یا ضد وضع موجود عمل می کند و به نقد آن می پردازد. یا روشنفکر آسی میله است که تا هنگام معین شدن پایگاه طبقاتی اش سرگردان است پس در تعریف مشخص تر و خاص تر از روشنفکری عنصر قدرت مطرح است.³⁵

مصطفی ملکیان معتقد است، روشنفکر را باید با دو کار ویژه تقریر حقیقت و تقلیل مراتب بازشناسی کرد و بر این باور است که روشنفکری با توجه به این دو ویژگی، دیگریک رشته علمی یا یک شغل و حرفه یا ای دئولوژی پردازی یا طراحی آرمان شهری یا سیاست مداری نیست و روشنفکر نه از جایی برای مردم خبری آورده است و نه از آینده مردم خبری می دهد و بنابراین اصلاً و ابداً رسالت پیامبرانه هم ندارد.³⁶ ملکیان معتقد است که روشنفکران باید ویژگی های همچون «عقلانیت، شک ورزی، نقادی، عدم تعلق به یک ای دئولوژی، سعی در جهت کاستن از آثار و نتایج منفی تخصص گرای، استفاده از گفتار عاری از ابهام و ایهام و غموض، توجه به سلسله مراتب نیازها، علت یابی و ریشه شناسی درد و رنجها، صداقت و انصاف در مقام داوری و نقد، آمادگی برای تحمل هرگونه محرومیت و درد و رنج»³⁷ را دارا باشند.

عبدالکریم سروش، وی روشنفکر را با چهار صفت ابداع تئوریک، رازدانی، دلیری و چندمنبعی بودن بازشناسی می کند و معتقد است که اولاً تعداد روشنفکران کم است، ثانیاً پایگاه طبقاتی، مدخلی تی در تعریف از روشنفکر ندارد و عمل روشنفکران است که به آنها نقش بارزی در سطح جامعه می بخشد. همچنین از دیدگاه سروش روشنفکری خود یک قدرت است و هیچ ضرورتی ندارد که خود را به قدرت دیگری پیوند بزند. قدرت روشنفکر در معرفت و ابداعات تئوریک اوست.³⁸

سروش معتقد است روشنفکری به معنای دقیق کلمه یعنی:

«رازدانی و در عین دریدن غفلت، در غفلت دیگران مشارکت کردن و در عین نگرستیستن از بالا پایینی را هم پایینیدن و البته این کار نه به صلاح همه کس است

35. ر.ک: سعید حجاریان، «گونه شناسی جریان های روشنفکری ایران معاصر»، فصلنامه پژوهش، سال دوم، شماره 7، زمستان 1376 ه.ش.

36. مصطفی ملکیان، راهی به راهی، تهران، نگاه معاصر، 1381، ص 16.

37. ر.ک: پیشین ص 19 - 27.

38. ر.ک: عبدالکریم سروش، رازدانی، روشنفکری، دینداری، تهران: صراط، 1376، ص 8 - 12.

و نه در قدرت همه کس. چون اگر پرده غفلت دری‌ده شود زندگی که قوامش به غفلت است تعطیل خواهد شد و راز در کف نامحرم خواهد افتاد. با این توضیحات باطل نیست اگر رسولان رازدان را هوشیاران مقتدا و اسوه روشنفکران بدانیم.³⁹

مقام معظم رهبری، معتقد است: روشنفکری یعنی آن کسی که جری‌ان‌های زندگی را می‌شناسد و واقعیتهای موجود در محیط سیاسی کشورش را می‌شناسد. دشمن را می‌شناسد، بی‌نیش و دی‌د عمومی در مسایل اجتماعی و مسایل اساسی جهان را دارد.⁴⁰

ایشان بر این باور است که:

«جوهر روشنفکری این است، نوآوری، تحول در نگاه‌ها و باز بودن افق دیدی».⁴¹

و اینکه ایشان قوام روشنفکری را به نگاه بازمی‌داند به این خاطر است که در قرن نوزدهم اروپا اصطلاح روشنفکر و انتلکتوئل پدیدار شد. و نگاه صاحبان فکر از چارچوب‌های محدود خارج شده و توانستند افق‌های جدی‌دی را پیش روی خود بازکنند.

سید محمد خاتمی، روشنفکر را فردی معرفی می‌کند که در زمان خود به سرمی‌برد، مسایل انسان، روزگار و تحولات زمانه خود را می‌شناسد و با اینکه دغدغه شناخت آنها را دارد و چون آشنا به مسایل زمان است. اگر امیدی به حل این مسأله‌ها باشد به همین روشنفکر است. علاوه بر آن خاتمی روشنفکر را با ویژگی‌های بی‌همچون، تعهد، دغدغه خاطر نسبت به حقیقت و دغدغه خاطر نسبت به سرنوشت انسان، احترام گذارنده به عقل و آدای حرمت به آزادی، معادل و مرادف قرار می‌دهد.⁴²

احمد نراقی، معتقد است که روشنفکری به معنای اخص آن، پدیده‌ای مدرن است و لذا با گوهر مدرنی‌ته (خرد خود بنیاد نقاد) پی‌وندی بنیادی‌ن دارد. به واقع می‌توان روشنفکری را به معنای التزام به خرد خود بنیاد دانست. روشنفکر از آن حیث که روشنفکر است متعهد و ملتزم به نقد به معنای جدی‌د آن است. و روشنفکری این نقادی را در دو سطح انجام می‌دهد: اول در سطح ایده‌ها، یعنی ایده‌ها را مشمول نقد

39. پیدایش، ص 99.

40. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشگاهیان بابل، 25 مهرماه 1374.

41. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیئت‌أمناء، رئیس و دیگر مسئولان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی‌قم در 28 شهری‌ور ماه 1384.

42. سید محمد خاتمی، بی‌م‌موج، تهران: نشر سی‌های جوان، 1379، ص 202.

مستمر قرار می‌دهد تا درکی متناسب با دانش عصر از آنها حاصل کند. دوم در سطح ساختارها، یعنی می‌کوشد تا سامان اجتماعی را نیز معقول و عقل مدارانه کند. روشنفکر هیچ وضعیتی اجتماعی را نقد ناپذیر و تغیری رنپذیر نمی‌داند و می‌کوشد. جهان خارج را به تناسب خرد جدی‌د سامان بخشد.⁴³

2. روشنفکری دینی

روشنفکر دینی از تلاقی جری‌ان روشنفکری و سنت دین باوری پدیدار شده است و امروزه دست کم در فضای فرهنگی جامعه ایران در قالب جری‌انی متمایز دستاوردهای فکری و پیامدهای اجتماعی خاص خود را پدید آورده است. با این حال روشنفکر دینی یا مذهبی در ادبیات سیاسی — اجتماعی ما از راه ترجمه وارد نشده است. بلکه ما یک غیری‌ت سازی (Antagonistic) در این واژه انجام دادیم و آن معنای را که نویسنندگان غربی از آن اراده کرده‌اند را ندارد. چرا که در زبان ما وقتی به کسی مذهبی می‌گوییم، منظورمان متدین (pious) است. در واقع معنای که ما از روشنفکر دینی یا مذهبی ارائه کردیم، کسی است که آراسته به ظواهر جهان جدی‌د و آشنا با فرهنگ آن و عمل کننده به برخی از رسوم آن و در عین حال متدین و دیندار است. اما مراد نویسنندگان غربی از روشنفکری دینی همانا اندیشه‌گر دینی می‌باشد. و اندیشه‌گر دینی صرفاً روشنفکر متدین که لزوماً بای‌د اعتقادی داشته باشد نیست. چون به محققان و پژوهشگران دانشگاهی که در ارتباط با دین، پژوهش می‌کنند، روشنفکر دینی گفته نمی‌شود. به طور مثال اسلام شناسان اروپایی را کسی روشنفکر دینی نمی‌نامد چرا که کار آنان شناخت تاریخی و علمی دین یا فرهنگ دینی است. در حالی که روشنفکر دینی کسی است که به بسط و گسترش و استقرار تأویل و تفسیری از یک دین و پی‌کار در راه درکی تازه از ایمان برای مؤمنان آن دین اهتمام می‌ورزد. با این حال بسیاری از اندیشمندان ایرانی این واژه را قبول داشته و در ارتباط با آن قلم فرسای‌ی کردند ولی عده‌ای دیگر نیز این واژه را از اساس قبول ندارند. در ادامه بحث به استدلال مخالفان و موافقان این واژه مهم خواهیم پرداخت.

2-1. استدلال مخالفان واژه روشنفکری دینی

در این قسمت ما استدلال مخالفان واژه روشنفکری دینی را خواهیم آورد و استدلال‌های آنها را نیز

43. رک: احمد نراقی، جری‌ان روشنفکری و روشنفکران در ایران (مجموعه مقالات)، قم: انتشارات به باوران، 1379، ص 181 - 177.

به نقد خواهی‌م گذاشت. چرا که بسیاری از استدلال‌های مطرح شده از سوی آنها پای‌ه و اساس درستی را ارای‌ه نمی‌دهند و نمی‌توان آنها را به لحاظ علمی پذیری‌رفت. ما چهار استدلال را در ابعاد گوناگون در مخالفت با واژه روشنفکری مطرح خواهی‌م کرد که عبارتند از:

1-1-2. به لحاظ خاستگاه تاریخی

چون این اصطلاح از غرب آمده است و ما آن را روشنفکری ترجمه می‌کنیم. در واقع در غرب قرن هجدهم و نوزدهم میلادی کسانی پیدا شدند که وقتی به متون مسیحی رجوع کردند، دیدند قابل دفاع نیست و خط فکری خود را از دی‌گران جدا کردند، همه کسانی را که به کتاب مقدس التزام داشتند تاریکی اندیش خواندند. اصلاً لغت روشن را برای این آوردند که بگوی‌ند از تاریکی‌های جهل و خرافه‌ای که در کتاب مقدس وجود دارد به روشنی و نور عقل پا گذاشتی‌م. پس روشنفکری به فاصله گرفتن از دین بود بر این اساس کاربرد مفهوم روشنفکری دینی متناقض‌نماست.⁴⁴

به نظر می‌رسد این استدلال قابل قبول نباشد چرا که مفهوم روشنفکری در جوامع و فرهنگ‌های متفاوت یکسان نیست و تلقی آنها از این مفهوم متفاوت است و از طرفی روشنفکری فقط به معنای فاصله گرفتن از دین نمی‌باشد. بلکه عده‌ای از آنها بر این باورند در واقع اصل اساسی در این مفهوم روحیه انتقادی در ابعاد مختلف است.

2-1-2. بی‌معنا و مفهوم بودن روشنفکری دینی

از این منظر همانطور که چیزی به نام نقاش دینی، تکنوکرات یا مورخ دینی وجود ندارد. روشنفکر دینی نیز وجود ندارد و بی‌مفهوم است. یعنی روشنفکری یک مقوله است و دین مقوله دی‌گر، در واقع مسایلی که در دین و دینداری مطرح می‌شوند. امید، آخرت، رابطه با خداوند و ایمان است اما مسائلی که در روشنفکری مطرح می‌شود، مسئولیت، عقل و برهان است.⁴⁵ لذا هرچند که روشنفکر می‌تواند اعتقادات دینی داشته باشد یا نداشته باشد یا اینکه لا ادری باشد، ایمان روشنفکر نمی‌تواند و نباید در کارش مداخلت داشته باشد و باید دین و ایمان برای روشنفکر امر خصوصی باشد و روشنفکر کار حرفه‌ای

44. مسعود پورفرد، «تبی‌ن مفهوم روشنفکری و روشنفکری دینی»، *پگاه حوزه*، شماره 202، سال 1385، ص 6.

45. رامین جهانبلگو، *بین گذشته و آینه‌نده*، تهران: نشر نی، 1384، ص 243.

خوش را انجام دهد.⁴⁶

به نظر می‌رسد که دین امر خصوصی نباشد چون بیشتر احکام اسلامی عبادی صرف نیست بلکه عبادی سیاسی می‌باشد به همین خاطر باید روشن‌فکر فقط به احکام عبادی اکتفا نکند چون احکام عبادی و سیاسی در اسلام بسیار زیاد وجود دارد و خواه ناخواه روشن‌فکر باید در امور دین وارد شود و نسبت به نقش دین در جامعه بی‌تفاوت نباشد.

3-1-2. تضاد تدین و تعقل

این استدلال بر این اساس استوار است که روشن‌فکری و تدین نمی‌توانند با هم سازگار باشند آرامش دوستدار در این راستا مقوله دین خوی را مانع اصلی روشن‌فکری ذکر می‌کند. دین خوی به آن رفتاری اطلاق می‌شود که فرد، امور را بدون پرسش و پاسخ می‌فهمد. بنابراین وقتی که دریافته‌اش از امور به پرسیدن و دانستن بی‌قی و شرط بی‌گانه شد، دین‌خو، لقب خواهد گرفت.⁴⁷ لذا از منظر آرامش دوستدار، آنان که دینداری را پذیرفته‌اند، نمی‌توانند روشن‌فکر لقب گیرند. چون روشن‌فکر بر مبنای اصالت عقل است و عقل می‌تواند با دینداری متعارض باشد.⁴⁸ سید جواد طباطبایی بر این باور است که دینداری روشن‌فکر عین تلقی او از عقل است. لذا اگر افزودن عنوان دینی به روشن‌فکری به معنای محدود کردن عقل با توجه به الزامات دینداری بوده باشد باید گفت که روشن‌فکری دینی به معنای محدود کردن عقل با توجه به الزامات دینداری بوده باشد باید گفت که روشن‌فکری دینی دارای ترکیبی متضاد و البته بی‌معناست. در یک کلمه روشن‌فکری از دیدگاه وی نمی‌تواند خود را با الزامات دینداری سازگار کند.⁴⁹ به نظر می‌رسد دین‌مغایر با عقل و عقل‌گرایی نمی‌باشد بلکه تطابق کامل بین عقل و دین وجود دارد.

4-1-2. تخلف در پایبندی به اصول مدرنیته

روشن‌فکر جهان اسلام، از آنجا که دچار دوگانه اندیشی شده، از یکجا گسیخته و در وضعیت خلاء به سر می‌برد، به طوری که نه آن عقلانیت کانتی وارد زندگی‌اش شده و نه توانسته می‌راث خود را حفظ کند.

46. داریوش شایگان، «همة تمدن‌های بزرگ، دینی هستند»، *روزنامه یاس نو*، 21 مهرماه 1382، ص 7.

47. آرامش دوستدار، *درخشش‌های تیره*، پاریس: خاوران، 1377، صص 44 و 43.

48. رامین جهانبلگو، پیشین، ص 201.

49. سید جواد طباطبایی، «تجدیدی دی‌گر»، *روزنامه همشهری*، 5 تیرماه 1383، ص 7.

اصولاً خصیصه مدرنیسم، اعتماد به عقل است. مراد از عقل، هم عقل ابزاری و هم عقل نقادی منطقی است و این عقل عملی دی‌گری برای دین، باقی نخواهد گذاشت.⁵⁰ به نظر می‌رسد، دین اگر تحریف نشده باشد، کاملاً عقلانی خواهد بود و در راستای عقل و منطق قدم خواهد گذاشت، پس نباید دین و عقل را در مقابل هم قرار داد.

5.1-2. مغایرت تجددگرایی با دین‌داری

اگر بپذیری‌م که شرط اول قدم در دین‌داری، ایمان، تعبد و تسلی‌م است باید گفت که تجددگرایی با دین‌داری غیرقابل جمع است. مفاهیمی که غربی‌ها به کار می‌بردند یک بازتاب معرفتی داشت و در اجتماع شفاف می‌شد. پس مفهوم روشنفکری به مفاهیمی که از اساس این لفظ در زبان‌های اروپایی اراده می‌شود مقتضی تجددگرایی است و تجددگرایی با دین‌داری قابل جمع نیست.⁵¹ به نظر می‌رسد این استدلال نیز قابل خدشه باشد؛ چرا که دین با هر منطقی سازگار است و از آنجا که بسیاری از مفاهیم مدرنیته در راستای منطق می‌باشد، طبیعتاً با دین سازگاری دارد. در ضمن باید گفت که تلاش و هنر روشنفکران باید در سازگاری دین و مدرنیته نیز باشد که با این استدلال فوق این تلاش و هنر را از روشنفکران می‌گیری.

6.1-2. گسست میان سنت و مدرنیته

در این نظر دو گروه سنت‌گرایان و نوگرایان قایل به گسست میان سنت و مدرنیته هستند، سنت‌گرایان با یکی پنداشتن غرب با مدرنیته، غرب را با کلیت واحدی طرد می‌کنند. در این دیدگاه محصول غربی نمی‌تواند صفت دینی داشته باشد. چون روشنفکری یک محصول غربی است و مدرنیته یک مؤلفه ضد دینی تلقی می‌شود. روشنفکری هیچ نسبتی جز مخالفت با دین ندارد. در این نظر روشنفکری دینی، ترکیبی متناقض‌نماست. از طرفی دیگر نوگرایان نیز همانند سنت‌گرایان معتقد به گسست میان سنت و مدرنیته هستند و بر خلاف سنت‌گرایان به اصول مدرنیته وفادارند. نوگرایان، محصول مدرن را صفت غیرمدرن قرار می‌دهند در کل عناصر مدرن و اتصاف آنان به صفت دینی در دیدگاه نوگرایان ناممکن

50. مسعود پورفرد، پیشین، ص 7 - 6.

51. پیشین.

است.⁵²

این استدلال نیز قابل خدشه است، چون بر این باوری م که سنت و مدرنیته مکمل یکدیگر می باشند و در واقع باید جنبه های مثبت هر دو را اخذ و جنبه های منفی هر دو را طرد کنیم. قابل ذکر است که دین تحریف نشده اصولاً در راستای عقل و منطق قدم می گذارد و هرگز دین به جنگ با عقل و عقل گرای نمی رود.

با توجه به استدلالهای فوق در ارتباط با رد مفهوم روشنفکری دینی که اکثراً هم قابل نقد و خدشه بودند نمی توانیم نظرات مخالفین مفهوم روشنفکری دینی را بپذیریم. بنابراین در همین راستا بر آن شدیم استدلالهای موافقین مفهوم روشنفکری دینی را نیز بیان نماییم.

2-2. استدلال موافقان واژه روشنفکری دینی

در این قسمت ما به چند استدلال که در مورد موافقت با واژه روشنفکری دینی است خواهیم پرداخت که به نظر می رسد با توجه به استدلالهای منطقی که ارائه می شود، واژه روشنفکری دینی یک واژه کاملاً صحیح می باشد که در ادبیات سیاسی - اجتماعی جامعه ایرانی وارد شده است.

1.2.2. قراردادی و سیال بودن واژه روشنفکری دینی

برخی روشنفکری دینی را به مثابه الگوی خاص توضیح داده اند و از رابطه دال و مدلول استفاده کرده اند. آنان معتقدند گرچه معنی و هویت، حاصل رابطه بین دال و مدلول است، لکن هیچ رابطه ذاتی و از قبل تعینی نشده ای بین این دو وجود ندارد. آنچه مفهوم و مصداق را به هم پیوند می دهد، رابطه ای قراردادی و سیال است. در یک کلام هویتها در بستر گفتمانهای روان، متغیر، متحول و غیر شفاهی شکل می گیرند که تار و پود هر یک بر عناصر، لحظه ها، نقاط متعالی، روابط قدرت و نظامهای حقیقی متفاوتی استوار است.⁵³ به تعبیر دیگر مفهوم روشنفکری همچون تمامی مفاهیم دیگری که «دال شناور و تهی» است که قابلیت آن را دارد که در بستر گفتمانهای مختلف تکرار شده و به مدلولهای مختلفی دلالت دهد. بنابراین به لحاظ منطقی و زبان شناختی نمی توان دین را «دگر» یا «غیر» روشنفکری تعریف کرد و

52. پیشین.

53. محمدرضا تاجیک، «شکل گیری گفتمان انقلابی در ایران»، پژوهش نامه متین، شماره اول، سال اول، 1377، ص 45.

میان آنان رابطه کاملاً بی‌رونی و دوانگاری ترسیم کرد.⁵⁴

2.2.2. بازسازی مفهوم روشنفکری دینی به لحاظ تحول مفاهیم

این گروه معتقدند چون دین مخالف عقل نیست و در پی رفع جهل و تاریکی است. بنابراین دین عقلانیت (یکی از شاخص مهم روشنفکری) و دین (یکی از شاخص‌های مهم نظام دانایی مسلمانان) رابطه‌ای هم‌مانی می‌تواند برقرار باشد و چون روشنفکری تابع نظام دانایی خود بوده است، بنابراین مفهوم روشنفکری بر اثر تحول مفاهیم از متنی به متن دیگری به تدریج شکل گرفته است. بنابراین واژه روشنفکری دینی با دو عنصر مهم عقل و دین تناقض‌ناهیست. از نظر محقق اگر بپذیری که روشنفکری دینی متعلق به نظام دانایی دینی است، آنگاه عقل دایره‌اش توسعه می‌یابد و عقلانیت ابزاری یکی از شقوق عقل محسوب می‌شود و در زمینه زندگی و دین نیز روشنفکری دینی معتقد به پویایی و پایایی دین می‌باشد، با این توصیف روشنفکر دینی یعنی کسی که عقل را منبع مستقل در کنار منابع دیگری می‌داند و به دنبال عقلانی کردن ساحت‌های زندگی و دین است.⁵⁵

3.2.2. عدم تفاوت ذاتی میان روشنفکران

از آنجا که روشنفکری ایرانی فرایندی پی‌چیده و پویاست و رفتارها و رویکردهای متنوعی را دربرمی‌گیرد و آن را نمی‌توان با منطق دو گزینه‌ای توضیح داد، بلکه به منطق چند گزینه‌ای نیاز داریم بنابراین روشنفکری ایرانی روی‌دادی همچنان در حال وقوع است که آن را با منطق چند گزینه‌ای بهتر می‌توان توصیف کرد تا منطق دو گزینه‌ای که گویی از دو جناح متعین تشکیل شده است و ادعا شود که یکی جناح سکولار و به طرز ناب عقلانی و یکسره برکنار از هرچه عقلانی و ای‌دئولوژیکی است و جناح دیگری دینی و غیر سکولار.⁵⁶ با این اوصاف مجموعه‌ای از علل سبب شده است که طیفی از روشنفکران در ایران، به دلیل نسبت‌های خاص که با دین داشته‌اند کوشیده‌اند، تجربه روشنفکری خود را با تجربه‌ایمانی و امر دینی پیوند بزنند، به همین دلیل روشنفکر دینی خوانده شده‌اند و متقابلاً طیفی دیگری

54. رک: محمدرضا تاجیک، دین، دموکراسی و روشنفکری در ایران امروز، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، 1384، ص

117_119.

55. مسعود پورفرد، مردم سالاری دینی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1384، ص 30.

56. مقصود فراست‌خواه، «تأملی در تقسیم بندی روشنفکری به دینی و سکولار»، نشریه نقد، شماره 4، 1383، ص 69.

نیز به عللی دیگر یا اصلاً نسبت خاص و درگیری زیادی با دین نداشته‌اند و یا اگر هم داشته‌اند به دلایلی علاقمند شدند که تجربه‌های روشنفکرانه خود را جدا از دین پیش ببرند. ولی هر دو طیف کم و بیش با چالش‌های سکولار سنت تجدد درگیر هستند بنابراین هرچند که می‌توان آنها را به تسامح به دینی و غیر دینی تقسیم کرد ولی نمی‌توان گفت که تنها طیف دوم سکولار بوده و طیف اول به معنای غیرسکولار است.⁵⁷ بلکه هر دو طیف روشنفکرند و این مهم است.

4.2.2. بهره‌گیری از الگوهای پسا مدرن

از این منظر تصور روشنفکری دینی به عنوان یک مقوله غربی متأثر از اعتقاد غرب به عنوان یکی گفتمان متعالی (یا به تعبیر لیوتار، مدرنیته به عنوان فرا روایت) است. این گفتمان همراه است با اعتقاد به اروپا مداری که در نتیجه آن غرب به عنوان مرکز جهان مطرح می‌شود که باید کل عالم را توجیه و تبری کند.⁵⁸ اما با بهره‌گیری از دیدگاه‌های جدید پسامدرن و نیز مباحث جهانی شدن می‌توان گفت امکان دسترسی به الگوی عام منتفی شده است. زمان نوشتن طرح‌های داستانی و تئوری پردازی روایت بزرگ گذشته است. در این عصر ما با پاره پاره شدن روایت‌ها مواجه‌ایم. بر اساس این قرائت روشنفکری دینی به عنوان الگوی خاص در جهان می‌تواند حضور داشته باشد اما دیگر با توجه به الگوی هژمونیک معنی نمی‌شود بلکه به مثابه الگوی خاص در کنار الگوهای خاص دیگری که در دهکده جهانی پی‌رامونش منتشرند هویت می‌یابد. همچنین بر اساس مباحث نشانه شناسی می‌توان طرح کرد که روشنفکری دینی به عنوان یکی الگوی خاص قادر است از زنجیره استعماری الگوی عام غربی نجات یابد یعنی با این وضعیت روشنفکری دینی پدیده‌ای متناقض نخواهد بود.⁵⁹

به طور کلی باید مطرح کرد با توجه به استدلال‌های موافقان واژه روشنفکری دینی می‌توان چنین ارزیابی کرد. از آنجایی که روشنفکری فاقد ذات مشخصی است و نمی‌توان تعریف ثابت و متعینی برای روشنفکری اراییه کرد و ضمن آنکه نمی‌توان تنها تعریف اروپا مدارانه از روشنفکری را پذیرفت و روشنفکری را با توجه به تجربه غربی تعریف نمود. در راستای این استدلال می‌توان از الگوهای مختلف و

57. پیشین، ص 71 - 70.

58. عباس کاظمی، جامعه شناسی روشنفکری دینی در ایران، تهران: طرح نو، 1383، ص 80.

59. پیشین، ص 86 - 85.

گوناگون روشنفکری سخن به میان آورد که روشنفکری دینی یکی از این الگوهاست که دلالت بر نوعی فعالیت روشنفکری با مددگیری از مبانی دینی و ایمانی دارد.⁶⁰

بنابراین می توان بیان کرد، در صورتی که تعریفی غیر ذات‌گرا و غیر معطوف به دوره روشنگری از روشنفکری اراییه شود و نیز با پذیرش تفاوت‌های جوامع غربی و جوامع اسلامی و تفاوت‌های اسلام و مسیحیت می توان از امکان روشنفکری دینی سخن راند و نیز با توجه به تحولات اجتماعی جامعه ایرانی وجود روشنفکری دینی را به عنوان یک جریان فکری و اجتماعی در ایران امروز پذیرفت؛ زیرا نقش و تأثیر این جریان در تحولات گوناگون و مهم ایران انکارناپذیر است.

3.2. فرایند شکل‌گیری روشنفکری دینی

اصولاً تأثیر مدرنیته بر جوامع غیر غربی حتی بر آن جوامعی که تمدنی دیرپا و غنی پشت سر داشتند، آنان را به باز تعریف سنت‌های خود و انگاره‌ها و نهادهای وابسته به آن سوق می‌دهد به این طریقی انگاره‌های نوینی اراییه می‌شود و نهادهای نوینی استقرار می‌یابد. جوامع اسلامی نیز از تأثیر مدرنیته مصون نمی‌مانند و روشنفکران مسلمان از جمله ایرانیان به نحوی عمیق دل مشغولی انگاره‌های می‌یابند که از مدرنیته برآمده است. در چین فرایندی به طور کلی، مفاهیم عقلانیت، علم، ترقی و سکولاریسم به صورت دغدغه اصلی روشنفکران مسلمان درمی‌آید و آنان را با وضعیت مدرن نزدیکی می‌سازد به ویژه مفاهیم آزادی فردی، مساوات اجتماعی عدالت و دموکراسی چنان که در مفهوم سازی جامعه و دولت مطرح می‌شود، توجه این روشنفکران را نسبت به مفاهیمی جلب می‌کند که با مفاهیم رایج در جوامع اسلامی تفاوت دارد. در واقع روشنفکران مسلمان در جوامع اسلامی در این مفاهیمی که جزئی از مدرنیته است و با آن می‌آید تعمق می‌کنند و تلاش می‌کنند تادریابند که چگونه این مفاهیمی با تجربه تاریخی جوامع آنان همسان می‌شود.

با توجه به موضوع فوق «ایوون حداد» در مطالعه اندیشه اسلامی یک مدل سه جانبه از اندیشه اسلامی اراییه می‌کند: هنجاری، نوهنجاری و فرهنگ پذیری.⁶¹ این مدل سه جانبه در برگیرنده سه گونه عمده از پاسخهای اسلامی به مدرنیته است. سنت‌گرایی، تجدیدخواهی و اصلاح طلبی، چرا که گروهی از

60. بابک احمدی، کار روشنفکری، تهران: نشر مرکز، 1384، ص 157.

61. مسعود پدram، پیشین، ص 20.

اندیشمندان مسلمان شامل علمای سنت‌گرا، در رویارویی با مدرنیته تمایل دارند انگاره‌های مدرن و نهادهای مدرن را به چالش ری‌ش‌های سوق دهند گروهی دی‌گر که تجدیدخواه خوانده می‌شود، تمامی مدرنیته را به عنوان تنها وسیله برای بازسازی انگاره‌های اسلامی می‌پذیرند اما گروه سوم تلاش دارند عناصری از مدرنیته را برگزینند که مفید و سازنده و سازگار با عناصر پویای سنت می‌شناسند. در متن این فعالیت‌های نظری است که جریانی فکری تحت عنوان روشنفکری دینی طلوع می‌کند.

فرایند شکل‌گیری روشنفکری دینی به واقع‌ای‌نگونه است که در وضعیت مدرن اندیشمندان دین‌دار وارد گفتمان مدرنیته می‌شود. سنت دینی را، از طریق عقل‌نقاد مدرن به شدت به چالش می‌کشد و در چنین وضعیتی میان مدرنیته و سنت دینی تعارض می‌یابد و در مرحله بعد مدرنیته را به عنوان یک موضوع در نظر می‌گیرد و از طریق عقل‌نقاد مدرن از مدرنیته فاصله می‌گیرد و آن را نیز نقد می‌کند. نقد سنت و نقد مدرنیته در درون گفتمان مدرنیته فضای را می‌گشاید که به مفهوم روشنفکری دینی هستی می‌بخشد به بیانی دی‌گر از منظر هستی‌شناسانه می‌توان گفت که روشنفکری دینی حکایت از یک هستی‌حایل میان سنت و مدرنیته می‌کند.⁶²

لذا روشنفکری دینی از تلاقی جریان روشنفکری و سنت دین‌باوری پدیدار شده است. در نتیجه نسبت میان سنت دینی با روشنفکری نسبت امتناع‌نیست و روشنفکری دینی می‌تواند با گوهر مدرنیته که خرد خود بنیاد نقاد است پیوندی بنیادین داشته باشد و بر بنیاد ما تقدم دینی خود قدم به دنیای جدید گذارد پس اگرچه روشنفکر دینی در جغرافیای مشترک میان روشنفکری و دین به سر می‌برد اما در هر دو حوزه (هم حوزه روشنفکری و هم حوزه معرفت دینی) تصرف کرده است. زیرا فرض بر این است که روشنفکری دینی حداقل در بُعد نظری می‌تواند فارغ از اعتقادات شخصی و دینی خود، آزادانه و دل‌رانه در مورد هر امری بحث کند و بی‌بندی‌شد. در نتیجه روشنفکر دینی بر خلاف روشنفکر غیر دینی به دنبال تعریف و تحقیق مدرنیته درون‌زا می‌باشد.⁶³

باید به این نکته نیز توجه داشت که در مورد نقش دین نیز روشنفکران دینی دین را نهادی اجتماعی می‌دانند که کارکردها و نقش اجتماعی خود را دارد. این کارکردها، منحصراً به جنبه‌های معنوی و

62. پیشین، ص 23.

63. رک: محمدرضا تاجیک، دین، دموکراسی و روشنفکری در ایران، پیشین، ص 118 - 116.

عبادی محدود نمی‌شود؛ بلکه فرد، جامعه، تعهد و احساس مسئولیت را در اجتماع شامل می‌شود. دین افراد، جدا از دنیا و جامعه افراد و بی‌تأثیر در آن نیست. بلکه دنیا و آخرت و فرد و اجتماع را شامل می‌شود. علاوه بر این، احکام و معارف دینی قالب‌های خشک و لای‌تغییر نیستند بلکه می‌توانند تابع موضوعات و تاریخی و زمان خود باشند.⁶⁴

در واقع می‌توان گفت روشنفکری دینی مفهومی خاص است که از منطقه خاکستری درآمیختن سنت و مدرنیته آغاز می‌شود و به لحاظ رتبی، ما بعد ورود به گفتمان مدرنیته است. در یک نگاه کلی مفهوم روشنفکری دینی دو ویژگی اساسی دارد: ورود به گفتمان مدرنیته، نقد توأم سنت و مدرنیته، که با تکیه بر گفتمان مدرنیته و گوهر نقاد مدرنیته، سنت مذهبی را نقد می‌کند و از مدرنیته فاصله می‌گیرد و خود مدرنیته را نیز نقد می‌کند و برای خود در میانه سنت و مدرنیته جایگاهی می‌یابد.⁶⁵

4-2. تعریف روشنفکری دینی

بعضی از اندیشمندان در ارتباط با تعریف روشنفکری دینی اذعان کردند که روشنفکر دینی کسی است که اولاً «روشنفکر» است، یعنی متعهد و ملتزم به نقد و مهم‌ترین پروژه وی تحقق و بسط مدرنیته است. ثانیاً به تبع شرایط تاریخی و اجتماعی که در آن می‌زید و به تبع محوریت دین در جامعه مربوط به دین توجه ویژه می‌ورزد. ثانیاً در مواجهه با دین حکم به نفی دین نمی‌دهد یعنی در پروژه «گسست از سنت» قرار نمی‌گیرد، بلکه می‌کوشد از طریق «بازخوانی و بازسازی دین» قرائتی سازگار با مدرنیته به دست دهد و رابعاً شخصاً تعلقات دینی دارد و جامعه دینی، وی را دیندار می‌شناسد، یعنی روشنفکر، دیندار به شمار می‌آید.⁶⁶

به نظر می‌رسد این تعریف از روشنفکری دینی با اشکالات عدیده‌ای مواجه باشد. اولاً دین در این تعریف باید در خدمت بسط و گسترش مدرنیته باشد و این موضوعی است کاملاً نادرست. چون دین در این صورت حالت فرعی به خود گرفته و کار ویژه اصلی خود در جامعه دینی را از دست می‌دهد. کار ویژه دین، بومی کردن مدرنیته است نه در خدمت مدرنیته بودن، به این معنا که جنبه‌های سازگار

64. ر.ک: جهاندار امیری، *روشنفکری و سیاست*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383، ص 272 - 259

65. مسعود پدرام، پیشین، ص 24 - 23.

66. احمد نراقی، پیشین، ص 184.

مدرنی‌ته با دین را اخذ کرده و آن را با خود در جامعه رواج می‌دهد. ثانیاً روشنفکری دینی اگر بخواهد به هر طریقی از دین قرائتی سازگار با مدرنی‌ته ارایی‌ه دهد این کار منجر به انحطاط دین خواهد شد بلکه بای‌د روشنفکر دینی از مدرنی‌ته قرائتی سازگار با دین ارایی‌ه دهد. ثالثاً دیندار بودن با اعتقاد به حضور دین در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی خیلی فرق دارد به نظر می‌رسد بای‌د روشنفکر دینی، دین حداکثری را قبول داشته باشد نه دین حداقلی را، پس این تعریف دکتر احمدنراقی را نمی‌توانیم به طور کامل قبول داشته باشیم.

بعضی از اندیشمندان نیز روشنفکری دینی را ای‌نگونه تعریف می‌کنند که روشنفکر دیندار کسی است که برای انسانی که او را دوست دارد و مسایلمش را می‌شناسد و نسبت به سرنوشت او احساس تعهد می‌کند و به عقل و آزادی او احترام می‌گذارد. آری برای این انسان، رسالتی الهی قایل است و آزادی را برای این انسان می‌خواهد و هرچه را که راه رشد و کمال انسان را، سد کند همان را ضد آزادی می‌داند⁶⁷ و یا به اعتقاد بعضی دی‌گر از اندیشمندان قله کار روشنفکران دینی احیای دین و نو فهمیدن آن و بازسازی معرفت دینی است. در واقع، رستاخیز دینی و یا احیای فکر دینی محبوب او محسوب می‌شود و صریحاً هم به آن اظهار می‌کنند که، اکنون بیش از هر چیزی نی‌ازمندی‌م به یک رستاخیز دینی و اسلامی، به یک احیای تفکر دینی، به یک نهضت روشنگر اسلامی و فکر دینی ما بای‌د اصلاح بشود، تفکر ما درباره دین غلط است.⁶⁸

به اعتقاد سید محمد خاتمی نیز در غیبت پی‌امبر و معصوم بای‌د پذیرفت که روشنفکر دینی نقش پی‌امبر و رهبری تحولات دینی و تداوم تحول و جلوگیری از سکون و رکود و مرگ جامعه را برعهده دارد.⁶⁹ به طور کلی بای‌د گفت از آنجا که روشنفکر فرزند زمان خود بوده و سنت شکن، تحول خواه، منتقد، مصلح و عقلگراست. به نظر می‌رسد اگر محور فعالیت چنین شخصی‌تی دین باشد او را می‌توان روشنفکر دینی نام نهاد. دین برای روشنفکر دینی ابزار نبوده، بلکه هدف و محور است. از نگاه روشنفکر دینی هرگونه اصلاحی در جامعه بای‌د از دیدگاه دین بررسی شود. روشنفکر دینی به دنبال غبارزدایی تحجر و

67. سید محمد خاتمی، *پی‌م موج*، پیشین، ص 204

68. مرتضی مطهری، *ده گفتار*، تهران: صدرا، 1376، ص 128.

69. مجمع ستادهای سابق رئیس جمهور خاتمی، *طلوعی سبز*، تهران: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشارات ضریح آفتاب، 1377، ص 15.

خرافه سرایی از ساحت مقدس دین بوده و احیای آموزه‌های دین راستین را دنبال می‌کند. به واقع روشنفکری دینی از یک سو به نظام دانایی نص محور پای‌بند است و از دی‌گر سو عقل را منبع مستقل می‌داند. ولی آن مفهوم را از عقل ابزاری به دی‌گر شقوق عقل همچون عقل فلسفی، عقل شهودی و ... گسترش می‌بخشد و از طرفی روشنفکر دینی در زمینه مناسبات دین و زندگی به پای‌بندی و پویایی دین معتقد است. منظور از پای‌بندی اصالت و اصول‌گرایی در فهم دین و منظور از پویایی توسعه‌گرایی در حوزه تحقق دین است. نکته دی‌گر اینکه باورها و اعتقادات روشنفکری دینی دارای شدت و ضعف است که در عمل و رفتار مشخص می‌شوند و ما در مقام داوری می‌توانیم آنان را درجه بندی کنیم. در واقع جری‌ان روشنفکری دینی در ایران در کنار سایر جریانات سیاسی در دهه‌های اخیر یکی جری‌ان منفعل نبوده بلکه جری‌انی امیدبخش به آینده بوده که سربلندی و افتخار را برای کشور به ارمغان آورده و با تمام خصوصیاتی که دارد به رشد و بالندی جامعه ایرانی و اسلامی خود می‌اندیشد.

5-2. ویژگی‌های روشنفکری دینی

روشنفکران دینی تمام ویژگی‌ها و خصوصیات روشنفکران را دارا می‌باشند که قبلاً ذکر شده است. به این معنا که روشنفکران دینی در خصوصاتی همچون نگرش عقلانی و انتقادی در شناخت انسان، جهان، دین و ارزیابی تداپی و شیوه‌های زندگی، اهمیت و محوریت انسان در اندیشه روشنفکر که باید پاسخگوی نیازهای وی باشد، تعهد در برابر سرنوشت دی‌گران،⁷⁰ حقیقت‌یابی و دغدغه توسعه را داشتن با سایر روشنفکران مشترک است. منتهی روشنفکر دینی یکی سری خصوصیات خاص و منحصر به فردی دارد که آنها را در ذیل بیان خواهیم کرد.

5-2-1. داشتن باورهای دینی، پذیرش داوری دینی و رسالت دینی

روشنفکران دینی در باور به وجود خداوند، باور به معناداری و هدفمندی هستی و باور به اخلاقی بودن نظام هستی با سایر دینداران مشترکند و دین را داور شایسته‌ای برای رفتارها و روابط انسانی، در هر کجا که محدوده داوری دین باشد، می‌دانند.⁷¹ در واقع روشنفکر دینی، دین را عامل سعادت می‌داند؛ چرا که

70. علی‌رضا علوی تبار، پیشین، ص 15 - 14.

71. پیشین، ص 15 و 16.

دین، انسان را الهی می کند و روشنفکر دینی نیز دم از انسان الهی می زند نه انسان مادی گرا، در واقع خدا محوری را به جای انسان محوری قبول می کند، چون این خدا محوری است که بشر را به سعادت می رساند. روشنفکران دینی علاوه بر دینداری (باور دینی و داور دینی) می کوشند در جهت گستردن و ژرفا بخشی دین به آگاهی ها، احساس ها، باورها، گرایش ها و کنش های دینی حرکت کنند⁷² که همانا این تعهد و رسالت دینی آنها می باشد.

2.5.2. پایبند بودن به نظام دانایی دینی

مراد از نظام دانایی دینی، نظامی است که متکی بر نص و به تعبیری نص محور است. روشنفکری دینی در مورد پایبندی به نظام دانایی می تواند آن را نقد کند، ولی نمی تواند آن را نفی نماید یعنی هسته کانون نظام دانایی دینی را نمی تواند نادیده بگردد و گر نه از حوزه روشنفکری دینی خارج می شود. آن هسته کانون نظام دانایی دینی وحی و نص است که خصلت تئوریک دارد در واقع کتاب و سنت منبع و مخزن روشنفکر دینی است.⁷³

2.5.3. داشتن روحیه آزاد اندیشی، فرهنگ تعامل و عدالت گرایی

بدی بهی است که آزاد اندیشی یکی از عوامل مهم تولید فرهنگ و علم است. روشنفکر دینی باید در آزاد اندیشی خود، هم به فرد احترام بگذارد و هم به جمع و یا به عبارت دیگر شاخص آزاد اندیشی روشنفکری دینی، هم باید فرد محور باشد و هم اجتماع محور باشد. چرا که همین شاخص اهمیت دادن به فرد و اجتماع سه پیامد را به همراه دارد. اولاً هر گونه تحجر، گذشته گرایی و نظام ایستایی را نفی می کند، ثانیاً تحمل پذیری نظر مخالفین و انعطاف پذیری را گسترش می دهد و ثالثاً فرهنگ تعاملی جای خود را با فرهنگ تقابلی و حذفی عوض می کند به طور خلاصه باید بدان کرد در روشنفکری دینی نمی توان از موضع آزاد اندیشی، فردنگری کرد. بلکه روشنفکر دینی بین فرد و جمع هر دو را می نگیرد⁷⁴ و از طرفی روشنفکر دینی باید به دنبال تحقق عدالت اجتماعی در جامعه بوده و از آن حمایت کند و طرفدار طبقه

72. پیشین، ص 16.

73. مسعود پور فرد، پیشین، ص 7.

74. پیشین.

مستضعف و فقیر باشد چرا که یکی از راه‌های حل معضل جامعه برقراری عدالت است.⁷⁵

4.5.2. داشتن روحیه کاوشگری علمی نقاد برای حل معضلات جامعه

روشنفکر دینی بایستی یک کاوشگر علمی منصفی باشد از ویژگی‌های علمی او این است که دارای قدرت فکری مناسبی است و جرأت علمی و نوآوری برای حل معضلات جامعه دارد. یعنی هم دانش محور است و هم مسأله محور و همچنین در هر دو محور نوآوری دارد. روشنفکری دینی بایستی نقاد فرهنگی و اجتماعی باشد تا بتواند در جامعه تحول ایجاد کرده و جامعه را از حالت ایستایی به حالت پویایی سوق دهد.⁷⁶

5.5.2. داشتن روحیه خرافه ستیزی

صفت دیگر روشنفکران دینی آفت شناسی و خرافه ستیزی آنان است که این وصف از لوازم اوصاف دیگر آنان است و این به معنای کالبد شکافی دین و زدودن خرافات، تحجر و عصبیت‌های قومی در تفسیر دین است. در واقع روشنفکران دینی در مقام تشریح پی‌کر دین هستند و بایستی رویکرد کالبد شکافانه به دین می‌نگرند.⁷⁷ و این به معنای خدشه وارد کردن به دین نبوده بلکه می‌خواهند راه نقد و نقادی به دینی که در گذر زمان خرافاتی به آن اضافه شده را باز کنند و این به معنای تحریف دین اسلام به معنای خاص نیست بلکه به معنای حذف تحجر و عصبیت‌های قومی از مفاهیم دینی است.

6.5.2. همگام کننده اندیشه دینی و معرفت عصری

یکی از اندیشمندان بر این باور است که در طول چند دهه‌ای که از مشروطیت گذشته است، ما چقدر از اندیشه‌های صدر مشروطیت را جذب کرده‌ایم و در میان خود آورده‌ایم و چهره اسلامی به آن داده‌ایم، چنانکه امروز کاملاً مقبول افتاده است. با همان اندیشه‌هایی که به شدت مورد انکار بودند و کسی باور نمی‌کرد که زمانی بشود آنها را با فکر و حیات دینی آشتی داد. پس روشنفکران را به لحاظ معرفتی بایستی یک آیینی عبرت دانست نه صندوق لعنت.⁷⁸ در واقع این موضوع همانا بومی‌سازی مفاهیم غربی است.

75. پیشین.

76. پیشین.

77. عبدالکریم سروش، *قصه ارباب معرفت، تفرج صنع، حکمت و معیشت*، تهران، 1374، ص 418.

78. عبدالکریم سروش، *رازدانی و روشنفکری و دینداری*، پیشین، ص 38.

اصولاً مؤلفه‌های غربی زمانی مورد پذیرش قرار می‌گیرند که، رنگ و لعاب اسلامی و ایرانی به خود بگی‌رند.

2-5-7. تکیه کردن بر اندیشه و راه حل‌های دینی در بنای جامعه دینی

رسالت اصلی یک روشنفکر دینی بنا کردن یک جامعه دینی با تکیه بر اندیشه‌ها و راه‌حل‌های دینی است، تکیه بر معارف دینی برای روشنفکران امری کارساز، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛⁷⁹ چرا که معتقدند دین امروز هم می‌تواند حلال مشکلات بشریت باشد⁸⁰ و در واقع باید گفت به نظر روشنفکران دینی دین در گذشته، حال و آینده روشنی بخش جامعه بشری است و باید در عرصه حیات اجتماعی و سیاسی حضور داشته باشد.

2-5-8. داشتن روحیه تحقیق به جای تقلید

از آنجا که روشنفکران دینی عاشق علم و فکر و هنرند و فکر برای آنان موضوعیت دارد و از میان نعمت‌های این عالم، فکر کردن را انتخاب کرده‌اند و در گلستان اندیشه‌ها سیر می‌کنند و از این گردش‌ها لذت می‌برند و گره‌گشایی‌های فکری و معرفتی پیشه اصلی آنان است و اگر سائر امور انسانی را هم تحلیل می‌کنند باز هم از همین دریچه معرفت شناسی است. ریشه‌یابی تئوریک مشکلات، هنر اصلی اینان است بنابراین با هجرت فکری خود یعنی فراتر رفتن از حوزه‌های تخصصی و محدود کننده و سرکشی‌دن به وادی‌های دیگر و نهراسیدن از رویارویی با افق‌های جدید روشنی‌دین را در میان سائر روشنی‌ها جستجو می‌کنند.⁸¹ در واقع روشنفکران دینی به مثابه آدمیانی که در بلندی راه، چراغی برای دی‌گران روشن می‌کنند باید در مقام تحقیق باشند و نه در مقام تقلید، آنانی که هنوز در حیرت دی‌گران و در عالم تقلید هستند نباید بر جای‌گاه اهل علم و معرفت تکیه زنند و در مقام داوری و رهبری برآیند.⁸²

2-5-9. روشنفکری دینی به مثابه دیده‌بان معرفت دینی

بعضی از اندیشمندان معتقدند:

79. پیشین، ص 36.

80. پیشین، ص 43.

81. ر.ک: پیشین، ص 47 - 40.

82. عبدالکریم سروش، *قصه ارباب معرفت، تفرح صنع، حکمت و معیشت*، پیشین، ص 396.

«آدمی تا درون یک مجموعه هست، هندسه آن مجموعه را نمی‌بیند. بلکه کسانی که روی بام ایستاده‌اند هندسه آن را در قیاس با سایر بناها درمی‌یابند، آنها می‌بینند. آنکه می‌آید دشمن است یا دوست و خبر می‌دهند، فکری برای دشمن بکنند تا جای‌ی برای دوست باز کنند کسی که اصلاً روی بام نرفته چه خبر از بیرون دارد؟»⁸³

در واقع روشنفکری دینی به عنوان دی‌ده‌بان، دشمنان فکری و فرهنگی جامعه دینی را درمی‌یابد و به مبارزه با آن برمی‌خیزد چرا که به لحاظ شناخت و معرفت دینی از سایر گروه‌های اجتماعی در جامعه سرآمد است.

10-5-2. اصلاح و گره‌گشایی از معرفت دینی

بعضی از اندی‌شمندان بر این باورند که، در روزگاری به سر می‌بریم که به شدت محتاج بررسی و شست و شوی اندیشه مذهبی هستیم و این از اختصاصات جوامع دینی است که همواره از درون به خود نظر می‌کنند و کمتر پروای پرداختن و نگاه کردن به بیرون از خود و از بیرون به خود را دارند. این تنها جسارت کسانی از نوادر اندی‌شمندان حوزه فرهنگ دینی است که بتوانند از بیرون به جامعه دینی و معرفت دینی نظر کنند⁸⁴ تا بتوانند گره‌های کور معرفتی به خصوص معرفت دینی را در جامعه باز کنند چرا که روشنفکران دینی اولاً و بالذات باید به دفع مشکلات معرفتی جامعه اقدام کنند و کارهای مربوط به امور اجتماعی که از ارتباط مستقیم با مردم دارد و با ساختار زندگی آنها درگیر است را بعداً انجام دهند.⁸⁵

11-5-2. طراحی عقبه تئوریک برای نظام اسلامی

یکی از ویژگی‌های بسیاری از مهم جریان روشنفکری دینی این است که برای نظام اسلامی ایجاد شده خود یک عقبه فکری و تئوریک تعریف کند تا با هویت‌سازی دینی برای نوع حکومت مستقر در جامعه بتواند پشتوانه‌ای دئولوژیکی برای آن ایجاد نماید که در این صورت مشروعیت و مقبولیت آن نوع حکومت و نظام در اذهان عمومی مستحکمتر خواهد شد. در این ارتباط مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«مسئله عقبه تئوریک برای نظام چیزی جز خوبی است و ما به این هم احتیاج داریم،

83. پیشین، ص 406.

84. پیشین، ص 384.

85. عبدالکریم سروش، رازدانی، روشنفکری و دی‌نداری، پیشین، ص 7.

منتهی توجه کنی که مجموعه‌ای از متفکران، علما و سا بقه‌دارها در امر دین، مدعی عقبه تئوری یک نظام هستند و آن را تشکیلی می‌دهند. اگر شما خود را از مجموعه کسانی که در باب دین و مسئله دین و معرفت دینی مدعی‌اند، بر کنار داشتی، ناقص خواهی‌ماند. لا اقل بی‌اطلاع خواهی‌ماند که این خودش اشکال بزرگی است».⁸⁶

6-2. ساحت‌های مختلف روشنفکری دینی

اصولاً وقتی یک مسلمان، با وفاداری به اسلام، مدرنیته را به نحوی تام می‌پذیرد، نه تنها خود را روشنفکری دینی می‌انگارد که از منظری تاریخی نیز در سلک روشنفکران دینی قرار می‌گیرد. اما بای‌د میان روشنفکری دینی در فرایند اجتماعی و روشنفکری دینی در ساحت اندیشه تفکیک قایل شد. در فرایند اجتماعی روشنفکر دیندار ممکن است از مسیر دینداری عبور کند و آنگاه دین را یا در مدرنیته مستحیل سازد یا به کناری نهد، که همچنان در این مسیر در صف روشنفکران دینی قرار می‌گیرد. به واقع این روشنفکر فقط در ساحت اجتماعی فعال است اما در ساحت اندیشه صرف نظر از طی یک فرایند اجتماعی زمانمند. تنها با توجه به مبانی معلوم می‌شود که جهت‌گیری روشنفکری است یا روشنفکری دینی، بنابراین در فرایند اجتماعی فرد یا جریانی ممکن است در زمره روشنفکران دینی قرار گیرند. اما در ساحت اندیشه در قلمرو روشنفکران تعریف شوند. در فرایند اجتماعی پذیرش مدرنیته تام لزوماً فرد را از دین جدا نمی‌کند اما در ساحت اندیشه می‌توان مدعی شد که با نگاه غیر نقاد به مدرنیته روشنفکری دینی ممتنع است و تنها از طریق نقد مدرنیته، در درون گفتمان مدرنیته است که امکان زیست روشنفکری دینی می‌سر می‌شود.⁸⁷

اما در این نوشتار، روشنفکری دینی در ساحت اندیشه مورد نظر نگارنده می‌باشد که هم نقاد سنت و هم نقاد مدرنیته است و اصولاً چنین روشنفکری در فرایند اجتماعی نیز می‌تواند فعالانه حضور داشته باشد. به واقع روشنفکری دینی اولاً و بالذات بای‌د در ساحت اندیشه حضور داشته باشد و معلوم گردد که واقعاً روشنفکر دینی است. سپس وارد فرایند اجتماعی شود. بنابراین در مباحث روشنفکری و روشنفکری

86. بیانات مقام معظم رهبری در حضور مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی، قم در تاریخ 28 شهریور ماه 1386.

87. مسعود پدram، پیشین، ص 24.

دینی بایده میان ساحت اجتماعی و ساحت اندیشه تفکیک قائل شد که مهم‌ترین ساحت روشنفکری و روشنفکری دینی در واقع ساحت اندیشه‌ای جریان روشنفکری است.

2-7. تحول اندیشه‌های سنت روشنفکری دینی در دوره‌های مختلف

روشنفکری دینی در ایران معاصر در سیر تطور خود، تحت سلطه پارادایم‌های مشخصی بوده است. در هر یک از این پارادایم‌ها مجموعه بسیاری وسیعی از مفروضات مفهومی و روش شناختی بر ذهن و اندیشه روشنفکران دینی سلطه و سیطره داشته‌اند. بر هر یک از این پارادایم‌ها گفتار و منطقی خاص حاکم بوده که با گفتار و منطق پارادایم پیشین به طور بنیادین متفاوت است. به عبارت دیگر، روشنفکری دینی به عنوان یک سنت دارای اندیشه، عقاید، افکار، باورها و ارزش‌های مستقلی از سایر جریانات می‌باشد و طبیعی است که در هر دوره این سنت با دوره‌های قبلی یا بعدی خود تفاوت‌های بنیادینی داشته باشد، البته ناگفته پیداست که در درون خود جریان روشنفکری دینی گروه‌های با افکار و عقاید متفاوت به ارایه اندیشه‌های خود که با گروه‌های دیگر متفاوت است می‌پردازند. بنابراین می‌توان در دوران معاصر روشنفکری دینی چهار پارادایم را از همدیگر تفکیک کرد که در ذیل به آنان می‌پردازیم.

3-7-1. پارادایم احیاء و اصلاح دین

در پارادایم احیاء و اصلاح دین، مهم‌ترین ویژگی آن، آشتی بین معرفت دینی و تمدن جدید غرب می‌باشد که نقش محوری دارد. آنها در پی ایجاد ارتباط بین دین و علم بودند، حقیقت جویی را هدف متشکرک بین انبیاء و افراد بشر می‌دانستند. آنها سعادت بشر را در دستیابی به حقیقت می‌دیدند، شعارهای این دسته از روشنفکران، آزادی، دموکراسی، جامعه مدنی، گسترش نهادهای تجدد، اصلاح و مهندسی اجتماعی بود و هدفشان رهایی جامعه از عقب ماندگی و مدرن شدن آن تلقی می‌شد، ویژگی دیگر روشنفکران دینی پارادایم احیاء و اصلاح فکر دینی «نقد خود» است. این گروه به علت آنکه مهم‌ترین عامل عقب ماندگی مسلمانان را در عوامل درونی جستجو می‌کردند به پی‌راستن و پی‌راییدن فرهنگ اسلامی دست‌یازیدند و هرگونه سنت پرستی کورکورانه و تقلید صرف را محکوم کردند و راه‌های خرافه زدایی از دین و ارایه دین مبتنی بر برهان دانستند.⁸⁸

88. سهراب رزاقی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی نامه پژوهش، سال دوم، شماره 7، زمستان 1376، ص 71.

2-7-2. پارادایم انقلابی گری

پارادایم انقلابی گری تحت تأثیر «مارکسیسم روسی» مفاهیم جدیدی مانند جهان بینی، ای‌دئولوژی، فلسفه تاریخ، دیالکتیک زی‌ربنا و روبنا، انقلاب، عدالت اجتماعی را در گفتمان دینی جامعه وارد کردند. مهم‌ترین ویژگی پارادایم انقلابی گری این است که مفهوم مبارزه سیاسی و لزوم درگیر شدن در این مبارزه، در تفسیر مفاهیم دینی نقش محوری دارد. به عبارت دیگر روشنفکران از یک سو مفاهیمی همچون فلاح، زهد، توکل، تقوا، شهادت، تقیه، غیبت و انتظار را به نحوی تفسیر و بازسازی می‌کنند که به مبارزه سیاسی منجر شود. آنها سر جنگ با امپریالیسم، دیکتاتوری و نهاد مالکیت خصوصی دارند؛ چرا که همه شرارت‌ها را از مالکیت خصوصی می‌دانند. آنها تلاش می‌کردند تا اسلام را به ای‌دئولوژی تبدیلی کنند. روشنفکران دینی پارادایم انقلابی گری به جای نقد خود (Same) به نقد دیگری (other) می‌پردازند. آنها عامل اصلی عقب ماندگی جامعه را استعمار و امپریالیسم می‌دانند. شعارهای آنها، عدالت اجتماعی، انقلاب، بازگشت به خویشتن بود. در این پارادایم بر خلاف پارادایم احیاء و اصلاح فکر دینی، عدالت اجتماعی شعار اصلی و محوری است و آزادی، نی‌از ثانویه تلقی می‌شود لذا بر آن تأکید نمی‌شود.⁸⁹

3-7-2. پارادایم عرفی گرایی

پارادایم عرفی گرایی با پای‌ان جنگ تحمیلی، فرونشستن هیجان‌ات پس از انقلاب، غیور ای‌دئولوژی شدن جامعه، بازگشت دوباره به گفتمان توسعه و فروپاشی دنیای سوسیالیسم تحت تأثیر اندیشه‌های متجددانه لیبرالیسم نو آغاز شد. روشنفکری دینی در پارادایم عرفی گرایی، دوره بازنگری خود را با تکیه بر عقلانیت انتقادی شروع می‌کند. در این پارادایم از مجموعه مبارزات نظری بین‌گرای‌های مختلف فکری که برخی میل به رهایی از خود و گذشته و برخی دی‌گر میل به بازگشت به خود و گذشته را با خویشتن حمل می‌کردند به این جمع بندی رسیده است که در این سرزمین، نقد دین پیش شرط هر نقدی است و دریافته است که بدون نقد فلسفه، حقوق و فلسفه سیاسی قدیم، دستیافتن به مفاهیم حق و سیاست جدی‌د چون دولت مدرن و جامعه مدنی ممکن نخواهد شد. مهم‌ترین ویژگی این گروه از روشنفکران دینی، نقش محوری است که مفهوم ای‌دئولوژی زدایی در تفسیر

89. سهراب رزاقی، پیشین، ص 72.

مفاهیم دینی آنان دارد. این گروه از روشنفکران دینی معتقدند نه تنها تعبیر ای‌دئولوژی‌ک از دین امر ممکن و مطلوب نیست. بلکه ای‌دئولوژی‌ک کردن جامعه هم از آن رو که بی‌ماری‌ها و آفت‌های ویژه‌ای را می‌طلبد، امری مطلوب و ممکن نیست. آنها بن‌دین و معرفت دینی تمایز قائلند و معرفت دینی را معرفتی بشری می‌دانند که آن فهم، امری نسبی است. آنها بر این باورند که دین برای دنیاست بلکه برای آخرت است و هدف از بعثت انبیاء نیز همانا خدا و آخرت می‌باشد نه امور دنیوی، آنها مدی‌ریت فقهی را در زمینه اداره کشور نا کارآمد می‌دانند و بر مدی‌ریت علمی تأکید می‌ورزند؛ چرا که مدی‌ریت فقهی برای جوامع ساده و روستایی بوده و توانایی اداره جوامع پی‌چیده‌ی این عصر را ندارد. این گروه از روشنفکران دینی تجربه غرب را می‌پذیرد اما معتقد به برخورد گزینشی با تجدد و غرب است. از نظر آنها گزینش از بین دستاوردهای تمدن غرب، نه تنها مذموم نیست بلکه مطلوب است، چرا که مهم‌ترین عنصر قوام دهنده تجدد، علم است. و لذا باید آن را بی‌محابا گرفت و از آن خود کرد. این دسته از روشنفکران دینی با نقد «خود» و نقد «دی‌گر» بنای جامعه مدرن را جستجو می‌کنند، هدفشان بنای جامعه مدرن بر پایه نقد سنت است و شعار روشنفکری دینی پارادایم عرفی‌گرایی؛ حقوق بشر، جامعه مدنی، دموکراسی و قانون است و راهکار رسیدن به اهدافشان را مهندسی اجتماعی می‌دانند.⁹⁰

4-7-2. پارادایم قدرت‌گرایی

این پارادایم در بن انقلابیون از اول پی‌روزی انقلاب اسلامی ایران به نوعی وجود داشت. و با روشن شدن شکاف نیروهای سنتی و مدرن انقلابی در سالهای اولیه انقلاب در قالب دو گرایش عمده اسلامی و غیر اسلامی طبعاً اختلافات در درون بلوک نیروهای سنتی - اسلامی وقتی می‌توانست بروز کند که تکلیف صف بندی اولیه روشن شده باشد. مهم‌ترین تشکلهای بلوک سنتی عبارت بودند از جامعه روحانیت مبارز تهران، جامعه مدرسین حوزه علمی قم و حزب جمهوری اسلامی در مقابل تشکلهای بلوک مدرن، شامل جبهه ملی، نهضت آزادی و جنبش مسلمانان مبارز که تفسیر فقهی از حکومت اسلامی را نمی‌پذیرفتند و با اصلاً قایل به تلفیق دین و دولت نبودند. بنابراین جمهوری اسلامی به تعبیر فقهی آن گرچه حمایت توده‌ها را جلب کرده بود اما بر پشتوانه اجماع و وفاق نیروهای سیاسی فعال در دولت استوار نبود. طبعاً گروه‌های رادی‌کال چپ نیز مجالی در تعین شکل حکومت پیدا نکردند. بدین سان در سطح

90. سهراب رزاقی، پیشین، ص 73.

طبقات اجتماعی رودرروی آشکار می‌ان طبقات سنتی و توده‌های بسیج شده از یک سو و طبقه متوسط جدید که پای‌گاه گرایش‌های مدرن را تشکیل می‌داد از سوی دیگر در حال تکوین بود.⁹¹

هرچند نیروهای فعال سیاسی سنتی با تفسیر فقهی حکومت و حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه و حکومت روحانیون موافق بودند، ولی بر سر نحوه تعبیر و تفسیر ولایت فقیه و گرایش‌های دولت با یکدیگر اختلاف عقیده داشتند و همین اختلاف عقیده در نحوه حکومت و مفاهیم کاربردی و نظری آن باعث یک سری منازعات در درون خود گروه‌های حاکم اسلام گردید و در واقع ریشه این منازعات را باید در تعارضات درونی ای‌دئولوژی انقلاب جستجو کرد که خود از ماهیت بلوک قدرت و پای‌گاه اجتماعی نظام سیاسی حکایت می‌کرد به واقع ای‌دئولوژی انقلاب اسلامی به وجهی که پس از سال 1360 هـ.ش، انسجام یافت. به عنوان ای‌دئولوژی سنتی و ماقبل سرمایه‌داری متضمن آرمان‌های اشرافی (یعنی نخبه‌گرایی، پدرسالاری سیاسی، اطاعت و انضباط پذیری) و هم حاوی آرمان‌های خرده مالکانه (یعنی تأکید بر مالکیت کوچک، خودکفایی اقتصادی، مبارزه با سلطه سرمایه‌داری) و هم متضمن برخی آرمان‌های دهقانی (قسط و عدالت، پدرسالاری و اطاعت پذیری) بود.⁹² چنین شکاف‌های در سطح ای‌دئولوژی ائتلاف قدرت بعد از پایان جنگ تحمیلی و رحلت امام خمینی «ره» منجر به رقابت برای کسب قدرت گردید که در واقع روشنفکری دینی با پارادایم قدرت‌گرایی را بنا نهاد که از آن تحت عنوان روشنفکری دینی درون حاکمیت نام برده می‌شود.

3. روشنفکری دینی درون حاکمیت

با توجه به ویژگی‌های روشنفکری و روشنفکری دینی که به صورت مفصل مطرح شد، جریانی به نام روشنفکری دینی درون حاکمیت را باید در بعد از انقلاب اسلامی ایران در بین جریانات سیاسی - فکری ایران تعریف کنیم که قطعاً تمام ویژگی‌های روشنفکری و روشنفکری دینی را دارا می‌باشد. ولی یک ویژگی منحصر به فرد دیگری دارد که شاید سایر روشنفکران آن را دارا نباشند و آن همانا دغدغه قدرت داشتن و رسیدن به قدرت سیاسی است که این جریان را از سایر جریانات‌های روشنفکری جدا می‌کند. این جریان روشنفکری نوع حاکمیت و حکومت موجود در جامعه را پذیرفته و در پی نفوذ به آن

91. حسین بشیریه، *دی‌باچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، پیشین، ص 79 - 78.

92. پیشین، ص 81 - 80.

است. تا از این طریق نظم سیاسی دلخواه خود را محقق کند باید پذیرفت که تقسیم بندی آنتونی وگرامشی از روشنفکران یک تقسیم بندی درستی باشد. وی آنها را به روشنفکران آزاد یا ارگانیکی تقسیم می کند و یا اینکه می توان آنها را به روشنفکران درون دولتی و برون دولتی تقسیم کرد به این معنا که همیشه روشنفکرانی بوده اند که به خدمت دستگاه های دولتی درآمده و از اعمال حکومت زمان خود دفاع کرده و یا آن را به گونه ای مصلحانه هدایت کرده اند.⁹³

با این توضیحات مشخص می شود که گرامشی به وجود روشنفکران درون حاکمیت اعتقاد دارد که می توان از آن در جامعه اسلامی ایران تحت عنوان روشنفکری دینی درون حاکمیت یاد کرد و این موضوع نشان دهنده علاقه و میل روشنفکران برای ورود به صحنه های اجتماعی و سیاسی است و اینکه چرا اکثر روشنفکران رابطه پایداری با حاکمیت ندارند و در مقابل آن قرار می گیرند که منجر به حاشیة رانده شدن و کناره گیری آنها از سیاست می شود. موضوعی است که آن را باید در ساخت قدرت سیاسی حاکمیت های مختلف جستجو کرد. چرا که به طور کلی می توان علل کناره گیری از سیاست را در سه عامل زیر خلاصه کرد، که عبارتند از:

«یکی فقدان انگیزشی برای شرکت در زندگی سیاسی (عوامل روان شناختی و فرهنگی)، دوم فقدان امکانات لازم (مثلاً آموزش، اطلاعات، ارتباطات، سازمان و تشکل) و سوم فقدان فرصت عملی از نظر سیاسی به علت بسته بودن ساخت قدرت، در خصوص روشنفکران کناره جویی از سیاست معمولاً معلول عالم سوم است».⁹⁴

جامعه فکری و اندیشه های ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده چون قبل از انقلاب اسلامی به علت بسته بودن ساخت قدرت سیاسی و وجود دیکتاتوری و خفقان حکومت پهلوی روشنفکران نمی توانستند در عرصه های سیاسی و اجتماعی حضور داشته و تأثیرگذار در فضای فکری و فرهنگی جامعه داشته باشند. بعد از انقلاب اسلامی تا سال 1368 هـ.ش با توجه به تحولاتی همچون جنگ تحمیلی و روی کار آمدن دولت های با گرایشات ای دئولوژیکی تقریباً حضور روشنفکران در عرصه های فکری و سیاسی جامعه کم رنگ بود اما بعد از جنگ تحمیلی و وقوع تحولات گسترده فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که با استقبال

93. احمد نقیب زاده، پیشین، ص 224.

94. حسین بشیریه، جامعه شناسی سیاسی، پیشین، ص 256.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

جریانات سیاسی خصوصاً روشنفکران روبه‌رو شده بود منجر به روی‌کرد مثبت آنان و سایر جریانات سیاسی — اجتماعی به حاکمیت شد. گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی، شکل‌گیری گروه‌های سیاسی و احزاب، برپایی می‌تینگ‌های سیاسی، باعث رشد آگاهی‌های مردم و قشر تحصیل کرده جامعه با افکار و اندیشه‌های روشنفکری دینی گردید. همین آگاهی زمینه‌های حمایت بزرگ‌ترین نیروی سیاسی موجود در کشور که همانا طبقه متوسط تحصیل کرده است را از روشنفکران دینی فراهم کرد. روشنفکران دینی که از یک سوی مورد حمایت مردم بودند و از حضور آنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی استقبال می‌کردند و از سوی دیگر هم فضای جامعه برای عمل سیاسی آنان از حالت ای‌دئولوژیکی خارج شده بود باعث استقبال آنان برای حضور در عرصه‌های حاکمیت شد. آنان در قالب جریان‌های سیاسی — اجتماعی و با بهره‌گیری از بعضی مؤلفه‌های مکاتب غربی همچون مارکسیسم و نئومارکسیسم، لیبرالیسم و نئولیبرالیسم، اگزیستانسیالیسم، هرمنوتیک و پست مدرنیسم رقابت شدیدی در میان خود برای رسیدن به قدرت سیاسی آغاز کردند که در ادامه به نحوه قدرت رسیدن آنها و افکار و عقاید آنها اشاره خواهیم کرد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد